# ستارهٔ سینما

هفتگی
شماره ۴۹۰
سال دوم
۶ ریال

«کارمن» رقاصه اسپانیو
در فیلم فارسی «رقص انتق
رل م. می را ایفامیکند
(صفحه ۱۳)

چند خبر از استودیوهای
ایران که مشغول تهی
فیلم هستند
(صفحه ۱۲)

«ضیاء» و «نادره»
پیس «زورق بیصاحب
برنامه فعلی تاتر تهر
(صفحه ۹)

سوفیالورن
درصفحه ۲۳ مقاله مف
وعکسهای جالبی از ا
ستاره دلرباخواهید

# دختری که روبرت حسین با او ازدواج کرده است

## ازدواج یك ایرانی با یك ستاره فرانسوی

روز شنبه ۲٤ دسامبر (۲ دیماه) در پاریس اتفاق جالب توجهی افتاد و آن ازدواج «روبرت حسین» با «مارینا ولادی» ستاره جوان

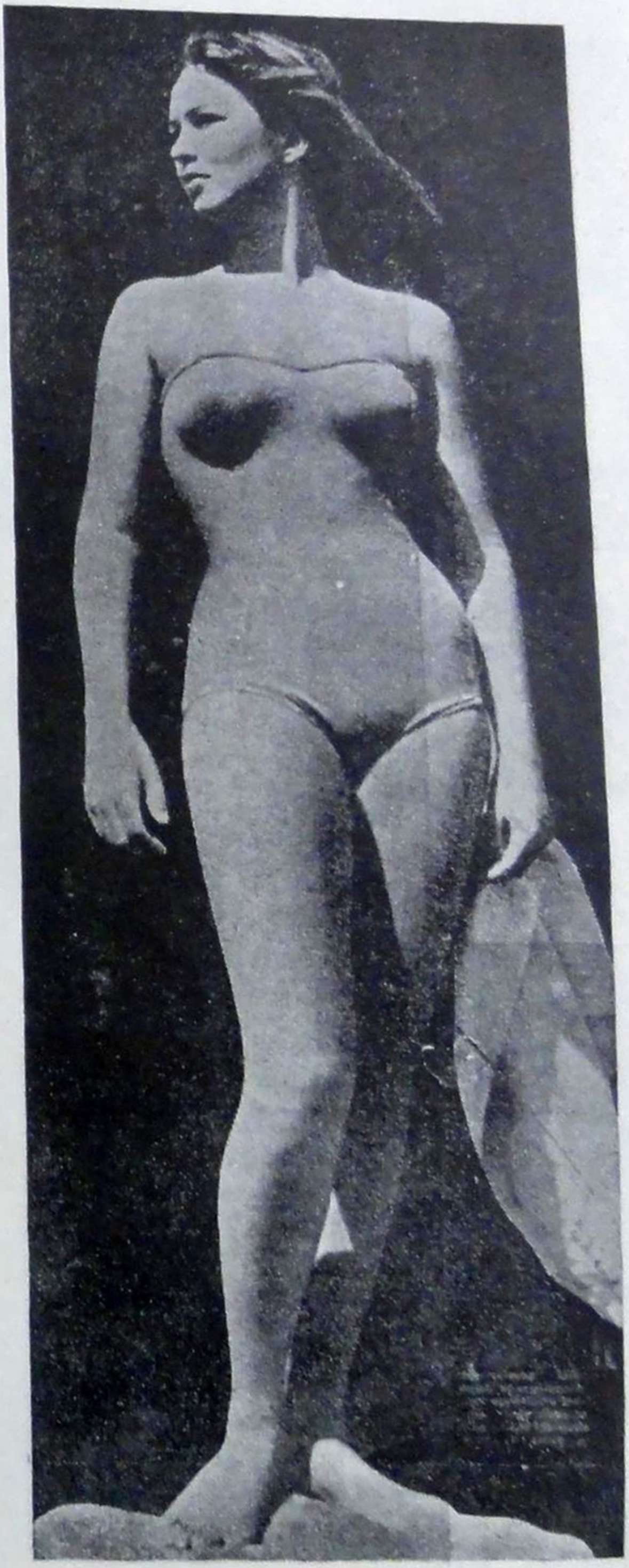

فرانسوی بود. همانطور که قبلا در اخبار مجله بنظر خوانندگان عزیز رسیده است، «روبرت حسین» پسر «امین الحسین» کمپوزیتور معروف ایرانی است که در سالهای قبل به پاریس مسافرت کرده و در آنجا متوطن گردیده است. «روبرت ـ حسین» اکنون ۲۷ سال دارد و با این سن کم نه تنها در چند فیلم بزرك شرکت کرده، بلکه کارگردانی یك فیلم عجیب وحیرت انگیز را بنام «پیشرفها بجهنم میروند» بعهده گرفته و طبق مندرجات جرایدمهم فرانسه بخوبی ازعهده اینکار خطیر برآمده و افتخاری برافتخارات خود افزوده است. روبرت حسین قبلا در فیلم «لوطی گری نزد مردان» بازی کرده و توجه تهیه کنندگان و کارگردانان فرانسوی را بخود جلب کرده بود و بهمین جهت کارگردانی فیلم «پیشرفها بجهنم میروند» را بعهده او واگذار کردند وروبرت حسین در این فیلم علاوه برکارگردانی، نقش مهمی نیز بازی میکند.

در فیلم «پیشرفها بجهنم میروند» بجز روبرت حسین، چند هنرپیشه معروف فرانسوی منجمله «هانری ویدال»، «سرژ ژیانی» و «مارینا ولادی» شرکت دارند. «مارینا ـ ولادی» اصلا لهستانی است و بجز خود، سه خواهر دیگر دارد که همه باسامی گوناگون ستاره فیلمهای فرانسوی هستند. روبرت حسین در حین تهیه صحنه های این فیلم، با «مارینا ولادی» آشنا شد و کم کم ایندو عاشق یکدیگر شدند و پس از اینکه مدتی با اخلاق هم آشنا گردیدند، در ۲٤ دسامبر ازدواج کردند. ازدواج این کارگردان هنرمند ایرانی الاصل که از طرف مادر فرانسوی است، با «مارینا ولادی» ستاره خوش آتیه سینمای فرانسه، در پاریس ومحافل سینمائی غوغائی بپا کرده است. مراسم عقد در «مزون لافایت» بطور خصوصی انجام گرفت و آنها بلافاصله بمسافرت ماه عسل پرداختند «مارینا ولادی» را اهالی تهران در فیلم رنگی دوبله بفارسی «جون سخت» دیده اند و در همین هفته نیز او را در فیلم «دختران خوشگذران» خواهند دید و بیشتر با او آشنا خواهند شد.

فیلم «پیشرفها بجهنم میروند» یك درام جنائی و پلیسی است و سرگذشت دو نفر محکوم را تعریف میکند که از زندان فرار میکنند و پس از کشتن عاشق «مارینا ولادی» خودشان عاشق او میشوند و در اینجاست که مارینا ولادی برای اینکه از آنها انتقام بکشد، هردو را بجان هم میاندازد و از تنفر و کینه آنها نسبت بیکدیگر لذت می برد. بازی «مارینا ولادی» در این فیلم بسیار جالب وخوب است ونشان میدهد که وی آتیه روشن ودرخشانی دارد اما نکته ای که بیش ازهمه دراین فیلم بچشم میخورد، رئالیسم شدیدی است که روبرت حسین بکار برده و علاقه او به رئالیسم باعث شده است که چند نفر از هنرپیشگان فیلم زخمی شده و در بیمارستان بستری شوند. مثلا «سرژ ژیانی» در صحنه ای از فیلم تحت تعقیب یك سك پلیس قرار میگیرد و ازآنجائیکه این سك از سگهای مخصوص پلیس بوده و بازی وسینما سرش نمیشده است، «سرژ ژیانی» را سخت گاز میگیرد و او را در بیمارستان بستری میکند! فیلم «پیشرفها بجهنم میروند» از طرف کلیه منقدین سینمائی فرانسه از فیلمهای فوق العاده سال تلقی شده و از لحاظ رئالیسم ونکات حقیقی وکارگردانی عالی آنرا در ردیف فیلمهائی نظیر «مزد ترس» و «قهرمانان خسته اند» دانسته و به آن درجه خیلی خوب و عالی داده اند

## توضیح ومعذرت!

با اینکه وعده داده بودیم از این شماره ترجمه داستان «در جستجوی آزادی» اثر «جان اشتاین بك» را شروع کنیم معهذا بدلایلی چند، ازاین تصمیم صرفنظر کردیم و بجای آن یك داستان مهیج که نظیر آن کمتر درزبان فارسی ترجمه شده، بخوانندگان عزیز تقدیم میشود این داستان «زن خطرناك» نام دارد ودر هرشماره ۸ صفحه از آن بصورت کتاب ضمیمه مجله است و بایدازروزنامه فروش مطالبه شود.

## سازمان دوبلاژ فیلم

اخیراً عده‌ای از هنرپیشگان و کارمندان فنی سازمانی برای دوبلاژ فیلمهای خارجی بزبان فارسی تشکیل داده‌اند.

ترتیب کار این سازمان اینست که فیلم مورد نظر را از صاحب فیلم بایك قرارداد مرضی‌الطرفین برای دوبلاژ گرفته و کلیه کارهای فنی و هنری آنرا با شرکت هنرپیشگان خود در یکی از استودیوها با خرج خود انجام میدهند. پس از اتمام فیلم بایك مبلغ ثابت از صاحب فیلم دریافت میدارند و یا بطور «پورسانتاژ» از محل کارکرد فیلم سهم

**هوشنگ بهشتی**

میبرند. بدین ترتیب کار صاحبان فیلمهای خارجی که مایل بدوبلاژ آن باشند بسیار آسان خواهد بود. برای تشکیل این سازمان و ترتیب کار آن «هوشنگ بهشتی» فعالیت زیادی از خود نشان میدهد.

## شایعات در محافل تاتر

••• در نتیجه اختلاف شدیدی که بین دکتر والا و علی محزون پیش آمده است فعلا محزون در محیط تاتر تهران دیده نمیشود از طرف دکتر والا نیز برای اصلاح این امر اقدامی بعمل نمی‌آید. اگر این موضوع ادامه پیدا کند بعید نیست که دکتر والا از اجرای پیس «شاهزاده هامبورك» که رل اول آنرا محزون بعهده داشت؛ بکلی صرفنظر نماید.

ضمناً چند شب قبل نیز بین دکتر والا و مهین دیهیم اختلافی رخ داد که خوشبختانه ادامه پیدا نکرد.

••• هنرپیشگان پیکار تاتر تهران قرار است که پیسهائی را تمرین کرده و مرتباً در شهرستانها بمعرض نمایش بگذارند و فعلا شهرهای اصفهان - رشت - آبادان و اهواز مورد نظر تاتر تهران می‌باشند.

••• بهرامی مشغول تهیه مقدمات پیس «درعالم هیروت» است تا شخصاً آنرا در تاترتهران بروی صحنه بیاورد.

پیس «در عالم هیروت» را ناصر مصفا نوشته و در چندسال قبل نیز آنرا در تاتر تهران نمایش داده‌اند و اینك برای دومین بار این پیس برای اجرا درحال تمرین می‌باشد.

••• «خواجه نوری» مترجم کتاب «شاهزاده هامبورك» در روز اول تمرین پیس آن، در تاتر تهران حاضر شده و مانند یك رژیسور در کار دخالت میکرد. این موضوع باعث عصبانیت دکتر والا مترجم آن پیس مزبور شده بود.

••• «علی تابش» هنرپیشه تاتر تهران درشب نشینی ژانویه که تاتر فردوسی ترتیب داده بود برنده جایزه «رقص ایرانی» معرفی گردید. جایزه‌ایکه بوی تعلق گرفت عبارت از یك «کرست زنانه» بود!

••• با وجودیکه «شهلا» در پیس آینده تاتر پارس رلی بعهده گرفته و چند روزیهم تمرین کرده بود، ولی پس از چند روز بعلت خستگی «؟» از ادامه تمرین خود داری کرد.

بهمین مناسبت پیس آینده تاتر پارس تغییر کرده و گویا پیس «همسایه مزاحم» را انتخاب کرده اند. پیس «همسایه مزاحم» را گرامی ترجمه کرده و سابقاً کرمسیری آنرا در تاتر تهران بروی صحنه آورده بود.

••• «جعفری» هنرپیشه معروف مصمم است که با همکاری عده دیگر از هنرپیشگان پیسهائی را برای نمایش آماده کرده و در تاترهای مختلف بروی صحنه بیاورند. اولین پیسی که برای این منظور انتخاب شده است «لادام اوکاملیا» می‌باشد.

## خانه کنار دریا

«محبوبیان» تهیه کننده فیلم هائی نظیر «گرداب» تمام رنگی باشتراك ملك مطیعی و دیهیم پس از نمایش آخرین فیلم خود از کار سینما بکلی دست کشیده بود. اما اینکه اخیرا تصمیم گرفته است که فیلم جدیدی را در یکی از استودیو های مجهز شروع نماید. از نظر روابط دوستی که بین مشارالیه و دکتر کاوسی برقرار است لذا کار گردانی فیلم را بوی واگذار کرده است.

برای این منظور سناریوئی بنام «خانه کنار دریا» در نظر گرفته شده و دکتر کاوسی تصمیم دارد که

**بانو عاصمی**

باهمکاری فنی «خانی» فیلمبردار و شرکت هنرپیشگانی مانند «بانو عاصمی» و «علی محزون» این فیلم را شروع نماید.

## خبری از دیانافیلم

باوجودیکه استودیو دیانافیلم در نظر داشت که فعلا اقدام بتهیه فیلم جدید فارسی نماید ولی شنیده شده که این استودیو مقدمات تهیه

(بقیه در صفحه ۱۸)

شرکت سهامی چاپ گهر - خیابان سعدی تلفن ۳۳۷۹۹

دارنده امتیاز و مدیر: پ. گالستیان سردبیر: کاظم اسماعیلی

ستاره سینما

سال دوم - شماره ۴۹ - یکشنبه ۱۷ دی ماه ۱۳۳۴

محل اداره: خیابان منوچهری - پاساژ لعل - طبقه سوم - تکشماره ۶ ریال

# تازه ترین اخبار سینمائی جهان

## ستاره جدید یونیورسال

چون درهر شماره یك ستاره جدید را معرفی میکنیم ، در این شماره « کاتلین کیس » را انتخاب کرده‌ایم و تصورهم نمیکنیم که در این انتخاب زیاد بد سلیقگی کرده باشیم. « کاتلین کیس » ازستارگان جدید کمپانی یونیورسال اینترنشنال است که درعرض مدت کوتاهی شهرت بی نظیری کسب کرده ودر فیلمهای مهمی چون « فرار وحشیانه » و « دومین جنس بزرك » شرکت جسته است . قبل ازاین ، کمپانی یونیورسال بهاو اجازه نمیداد که بخاطر مجلات وجراید ، عکسهای زیبا و دوست داشتنی بگیرد و بیشتر می خواست اورا ازراه هنرش معروف کند ولی وقتی فهمید که وی دارای بدن ورزیده وجالب توجهی است اجازه داد که با مایوجلوی دوربین عکاسی قرار بگیرد و کاتلین زیبا نیز چنین ژستی گرفت که تصور میرود ، نماینده زیبائی وظرافت او باشد .

## شرق وغرب

کشف ستاره ۱۲ ساله ژاپنی «میتسو کو ساوامورا» که دررقص وآوازدست کلیه هنرمندان امریکائی را از پشت بسته ومثل بلبل چهچه میزند ، یکی ازآن وقایعی است که فقط ممکن است در هالیوود اتفاق بیفتد . این کودك شیطان دارای صدائی روحپرور و بدنی

«دان دیلی» و «میتسو کوساوامورا»

نرم وانعطاف پذیر است ومیتواند مشکلترین رقصهای امریکائی را بخوبی انجام دهد . رقص‌های او در فیلم « مرا در لاس و گاس ملاقات کن» بقدری عالی انجام‌شده که عده‌ای عقیده‌دارند ازاین حیث روی دست «دان دیلی » و «سید شاریس » هنرپیشگان اول فیلم ، زده‌و باصطلاح بازی آنهارا گرفته است . آتیه درخشانی که در مقابل وی خودنمائی میکند این امیدواری را میدهد که بزودی وی دررديف ستارگان فیلمهای موزیکال مترو گلدوین مایر قرار خواهد گرفت و قیافه ژاپنی و چشمهای تنك بادامی شکل او مانع پیشرفتش نخواهد شد .

## فیلم جدید «پیر آنجلی»

اگر فراموش نکرده باشیددر یکی از شماره‌های گذشته خبرداده بودیم که « کاترین گریسون » به اتفاق « فیلیپ کاری » در فیلم «برت آفریك» بازی خواهند کرد ولی طبق یك خبر که بوسیله پست هوائی برای ما رسیده ، کمپانی کلمبیا درآخرین لحظه تصمیم خود را عوض کرده و « پیر آنجلی» را جانشین او کرده است .

این اولین فیلمی است که پیر آنجلی پس از بلند شدن از بستر زایمان ، درآن بازی میکندوعلت هم آنست که کاترین گریسون ناگهان بیمار شده و قادر ببازی در فیلم نیست . کمپانی کلمبیا برای استخدام « پیر آنجلی » مبلغ معتنابهی به کمپانی مترو گلدوین مایر پرداخته است زیرا این ستاره دلربا تحت استخدام کمپانی مذکور میباشد و برای بدست آوردن او باید پول زیادی خرج کرد .

## زراق خان

خبر دیگر ازکمپانی کلمبیا حاکی است که «ویکتور میچر» ، «آنیتا اکبرك» و «مایکل وایلدینك» برای بازی در فیلم «زراق خان» انتخاب شده‌اند . ویکتور میچر اخیراً از بازی در فیلم « هیئت سفری» فراغت جسته و بلافاصله در فیلم «زراق خان» شرکت خواهد کرد . داستان این فیلم مربوط به سرگذشت «زراق خان» شورشی معروف هندی است که در زمان

یکی از زیباترین عکسهای «کاتلین کیس»

سلطه انگلستان باین کشور صدمات فراوانی بارتش انگلستان وارد آورد ولی در آخر کار شکست خورد «آنتیا اکبرك» برای ایفای دل یك رقاصه هندی مجبور است موهای خود را سیاه کند و روی چشمهای آبی رنك خود چشم مصنوعی سیاه رنگی بگذارد تا شبیه هندیها شود اینهم یکی دیگر از درد سرهای هنرپیشگی ... البته در هالیوود!

## آواز گاری کوپر!

گاری کوپر برای نخستین بار در مدت عمر سینمائی خود آواز خواند! آواز او در فیلم «ایجاب دوستانه» شنیده میشود که بکارگردانی «ویلیام وایلر» در کمپانی «آلاید آرتیستس» تهیه میگردد. در این فیلم گاری کوپر با «دورتی مك گوایر» همبازی است و وقتی ویلیام وایلر آواز اورا شنید خیلی اظهار رضایت کرد و گفت چنانچه صدای او را ۲۵ سال قبل کشف کرده بودند شاید سرنوشت او عوض میشد و اکنون بجای یك هنرپیشه جدی فیلمهای دراماتیك، در فیلم‌های موزیکال بازی میکرد ..!

## گرفتاری جدید فرانك سیناترا

«فرانك سیناترا» که اخیراً در چند فیلم بزرك و مهم شرکت کرده و شهرت بیسابقه‌ای بدست آورده است استودیوی مستقلی تشکیل داده و مشلول تهیه و بازی در فیلم «جانی کونچو» شده است ولی چیزیکه او را اذیت میکند بهوالهوسی های ستاره مقابلش «کلوریا واندر بیلت» میباشد. این زن ۲۸ ساله از خانواده میلیاردر های «واندر بیلت» است و قبلا با «لئوپولداستوکوفسکی» ازدواج کرده بود کلوریا با یکدنیا امید و آرزو وارد هالیوود شد و خواست ستاره فیلمهای هالیوود شود اما مثل اینکه زندگی مرفه گذشته او را تنبل بار آورده و نمیگذارد که بکار هنری خود برسد. در هر صورت فعلا که فرانك سیناترا کیج شده است با این زن بوالهوس و تنبل چه کند ؟..

## «جین راسل» و فیلم جدیدش

لابد در اخبار ما خوانده‌اید که جین راسل اخیرا استودیوی مستقلی تشکیل داده و بخرج خود و شوهرش فیلم تهیه میکند. اولین فیلم استودیوی او «بدنبال آفتاب» نام دارد که ریچارد ویدمارك دل اول آنرا بازی میکند. جین راسل خیلی امیدوار است که برای دومین فیلم خود موسوم به «آخرین مرد در ویگون موند» کلارك گیبل و جینالولو بریجیدا را بتواند استخدام کند و بتصور خودش این دو تن چنانچه در مقابل یکدیگر قرار گیرند غوغای عجیبی برپا خواهند کرد زیرا یکی «سلطان هنرپیشگان» است و دیگری «ملکه ستارگان» ...

«جین راسل» در کنار استخر منزل خود

## سوقات مکزیك

«لیندا کریستال» ستاره آرژانتینی که درحدود ۸ فیلم در مکزیك بازی کرده است، اخیراً قدم بهالیوود گذارده و به اتفاق «دانا اندروز» در فیلم «کومانچی» که یك اثر وسترن محسوب میشود، مشغول بازی شده است. طفلك سرخ پوستهای آرام و بیسروصدای مکزیك را ول کرده و بسراغ سرخ پوستان تبرزین بدست قبیله کومانچی آمده است !...

## طوق لعنت!

«فارلی گرنجر» اعلام داشته است که بزودی با «جنیس رول» ستاره نمایشات برودوی ازدواج خواهد کرد. چندسالی بود که وی «شرلی وینترز» را طلاق داده و مجرد بسر میبرد. اما حالا دیگر طوق لعنت بگردن او هم خواهد افتاد! «جنیس رول» قبلا در فیلمهای موزیکال کمپانی برادران وارنر بازی میکرد و مدتی است که سینما را ترك نموده است.

## «دومین جنس بزرك»

کمپانی یونیورسال انترنشنال اخیراً فیلمی به بازار های جهان فرستاد که از دو نظر واجد اهمیت است اول اینکه سینماسکوپ و رنگی است و ثانیا اینکه عده‌ای از بهترین هنرپیشگان و زیباترین ستارگان این کمپانی در آن شرکت دارند و اینها عبارتند از زنها: جین کرین، مامی وان دورن، کیتی گالن، کاتلین تیس... و مردها جورج نادر، برت لار، کیت آندرسن، بل گیلبرت. این فیلم موزیکال وسترن است و دارای رقص و آوازهای متعددی میباشد و خیلی مورد توجه امریکائیان قرار گرفته است.

## بیاد عشقهای جوان

«ایرن پاپاس» ستاره یونانی که مدتی با علی‌خان پسر آقاخان محلاتی نرد عشق میباخت و مبالغ هنگفتی اورا سر کیسه کرد، اخیراً قدم به هالیوود گذارده و باتفاق «جیمز کاگنی» در فیلم «باد بود یك مرد شرور» بازی کرده است. میگویند جیمز کاگنی باو رموز هنرپیشگی را میآموزد. شاید این دلسوزی بیشتر از بابت این باشد که جیمز کاگنی از دست زن پیرو بدشکلش عاجز شده و میخواهد دوران هدر رفته را بازگرداند و در حقیقت جبران مافات کند ..!!

## آیا «بت دیویس» از کار سینما دست خواهد کشید ؟

«بت دیویس» که روزگاری ملکه ستارگان هنرمند هالیوود بود و فیلمهای او توسط کمپانی برادران وارنر تهیه میشد، چندی قبل نقش ملکه الیزابت را در فیلم «ملکه باکره» ایفا کرد و نشان داد با وجود اینکه سنش از پنجاه و شصت گذشته، هنوز قدرت بازی عالی و هنرمندانه خودرا از دست نداده است. بازی وی در فیلم اخیرش «کتابدار» ثابت میکند که وی هنوز خیال ندارد پرده سینما را ترك گفته و کتاب افتخار خودرا باتمام رساند ...

## حلقه بندگی!

بالاخره «گریگوری پك» از عده طلاق زوجه قبلی‌اش بیرون آمد و به آرزوی خود رسید. آرزوی او این بود که با «ورونیك پاسانی» روزنامه نگار فرانسوی ازدواج کند موقعیکه گریگوری پك برای بازی در فیلم «موبی دیك» به انگلستان رفته بود، مدتی از وقت خودرا در پاریس گذرانید ... آنهم چه وقت گذرانی! شب و روز همه‌اش با «ورونیك پاسانی» بود و از همان موقع گفته میشد که بالاخره طوق بندگی بگردن گریگوری پك خواهد افتاد. ازدواج اخیر او نشان داد که پیش بینی خبرگان سینمائی حقیقت یافته است.

«جین کرین» و «مامی وان دورن» باتفاق عده‌ای دیگر از دختران زیبا در فیلم «دومین جنس بزرگ»

# آواره

## یکی از عالیترین محصولات سینمائی هندوستان که حاوی مهمترین مسئله اجتماعی او فلسفی است

**روبرت اکهارت**

مثلی است معروف که میگویند «گرگ زاده عاقبت گرگ شود» به معنی واضحتر اینکه اخلاق و رفتار بشر ارثی است نه اکتسابی ! پدر خوب و تحصیلکرده و آداب دان حتما دارای فرزندی نیک خواهد شد وموقعیت زندگی و اجتماع فاسد نمی تواند درفورمول فوق اثری داشته باشد. اجتماع شخصی را بعلت قاتل بودن پدرش ازخود طرد میکند . اورا بمنجلاب بدبختی و بیچارگی میندازد ومجبورش میکند که مانند پدرش شود آنوقت همان اجتماع او را بجرم فساد محکوم میکند وموجودی راکه شاید درآینده میتوانست برای اجتماع مفید باشد از بین میبرد . نظایر چنین عملی دردنیا بسیار اتفاق میافتد وهرشب شما در روزنامه ها اخبار مربوط بآنان را ملاحظه می نمائید . آیا این فرمول صحیح است؟ عده‌ای ازدانشمندان وروانشناسان معروف بفکر لغو فرمول فوق افتاده اند و این فکر خودرا توسط راههای مختلفی ازقبیل تالیف کتاب، سخنرانی های متعدد وغیره عملی می نمایند . سینما نیز سهم بسزائی دراین راه بدست آورده است .

امروزه سینما مکتب بزرگی برای تربیت جامعه بشمار میرود . بوسیله سینما می توان اجتماع را به پرتگاه فساد کشاند و بالعکس توسط آن راه صحیح زندگی را بمردم آموخت «راج کاپور» کارگردان و تهیه کننده بزرگ کشور هندوستان جزء کسانی است که بافرمول « گرگ زاده گرگ شود!» مخالف است . او بوسیله تهیه فیلمهای زیادی فکر عالی خودرا بادلائل کافی بمردم عرضه میدارد و توسط داستانهای مهیجی ثابت می نماید که اجتماع در پرورش طفل دخیل است نه اخلاق فطری پدر . اگر پسر فلان میلیونر مانند پدرش آقا و تحصیل کرده از آب درمی آید در اثر پول است و بس درصورتیکه همان پسر اگر بدون داشتن یکشاهی و دوراز ثروت پدری بزرگ شد، بجز دزدی حرفه دیگری هم میتواند داشته باشد ؟

«راج کاپور» درسال گذشته درباره همین موضوع فیلمی بنام «آواره» تهیه نمود . خلاصه داستان فیلم مزبور چنین است :

«دادستان جانی سنگدلی را به حبس ابد محکوم میکند ودر آخر باو میگوید که پدرت قاتل بود و تو نیز پسر او هستی! محکوم چندماه بعد موفق بفرار میشود و برای رد گفته دادستان وهمچنین انتقام، زن حامله اش را میرباید وپس ازچندی پیش شوهرش میفرستد . دادستان براثر سوءظن اورا از خانه بیرون میکند پسرش درمحله های پست شهر میان بده‌ای دزد و جانی بزرگ میشود و با وجود جدیت مادرش براثر نداشتن پول کودک اورا ازدبستان بیرون میکنند بعد در اثر احتیاج دزدی کرده و سپس بزندان میافتد در آنجا رموز جیب بری و کلاهبرداری را می آموزد وجریان دنباله پیدا نموده وبالاخره پسر دادستان بجرم آدم کشی درداد گاه توسط پدرش محاکمه میشود . . . چنین موضوعی اساس سناریوی فیلم «آواره» را تشکیل میدهد که توسط «راج کاپور» تهیه و کارگردانی شده است وضمنا رل پسر دادستان نیز بنحو احسن توسط خود راج کاپور ایفا شده است ورل دادستان را پدر حقیقی «راج کاپور» بازی میکند. هندوستان از لحاظ کمیت یکی از بزرگترین تولید کنندگان فیلم در دنیا بشمار میرود . سازندگان فیلم براحتی در خود هندوستان سود فراوانی میبردند و بدینجهت بکیفیت فیلم توجهی نداشتند . اخیرا بعداز تحولی که در شئون فرهنگی و اجتماعی هندوستان پدید آمده است سینمای کشور مزبور نیز بی نصیب نمانده و در چند سال اخیر اثرات این تحول بخوبی در صنعت سینمای هندوستان هویدا گردیده است بطوریکه فیلمهای هندی باروپا و امریکا صادر وموردا ستفاده قرار می گیرد وهرساله نیز درفستیوالهای «کان» و «ونیز» جوائزی نصیبش میشود. متاسفانه درایران بجز فیلم با ارزش «مانکالا» فیلم بزرگ دیگری ازهندوستان تا کنون نمایش داده نشده است ومردم چنانچه باید و شاید بماهیت اصلی فیلمهای بزرگ هندی پی نبرده و بدان چندان علاقه ای ندارند .

فیلم «آواره» با محتوی عالی وانسانی آن درسال ۱۹۵٤ موفقیت غیر منتظره‌ای بدست آورد بطوریکه خریداران فیلم در کشورهای مختلف برای بدست آوردن آن برقابت شدیدی پرداختند. درایران نیز از بین چند نفر بالاخره آقای حکیمیان موفق شد که فیلم را بقیمت گزافی خریداری نماید وخوشبختانه مقدمات نمایش آن فراهم شده و بزودی در سینمای پارک و یکی دیگر از سینما های پایتخت بمعرض نمایش گذاشته خواهد شد . در سرتاسر فیلم آهنگها و آوازهای عالی وشیرین هندی گنجانده شده که درزیبائی فیلم نقش عمده‌ای را ایفا نموده است . فیلمبرداری عالی بهمراه بازیهای قوی وابتکار

راج کاپور پدر ( دادستان )

راج کاپور پسر (پسر آواره)

### نامزد آواره

های بی نظیر باعث شده نه درمدت طولانی ۳ ساعت تماشاچی هیچگونه احساس خستگی در خود نماید . «آواره» فیلمی است که بیشک مورد استقبال ایرانیان قرار خواهد گرفت و یکی از بهترین فیلمهائی است که در فصل سینمائی امسال ازطرف سینما پارک نمایش داده خواهد شد . جالب ترین صحنه های فیلم قسمتهای نمایش صحنه های خیالی «جهنم و بهشت» میباشد که در نوع خود واقعا بی نظیر است .

پسر دادستان درمیان کودکان ولگرد

# سال مرگ و میر در هالیوود!

«جان لانگ» و «سوزان بال» قبل از مرگ وی

سال ۱۹۵۵ برای هالیوود سال شومی تلقی شد. زیرا در این سال هالیوود، هنرپیشگان مشهوری را از دست داد. تاکنون هیچ سالی باندازه سال گذشته برای هالیوود نامیمون و شوم نبود گرچه در سال ۱۹۵۵ هالیوود با تهیه فیلمهای بزرگی شهرت و معروفیت از دست رفته خود را کسب نمود باز هم تلفاتی که بر هنرپیشگانش وارد آمد بر اکثر استودیو های آن سایه سوگواری افکند بطوریکه در سال گذشته اکثر هنرپیشگان و کارگردانان و تهیه کنندگان برای عرض تسلیت بمنازل یکدیگر میرفتند!!

اولین حادثه شوم برای «سوزان بال» اتفاق افتاد. سوزان بال ستاره زیبای کمپانی یونیورسال اینترنشنال بیشتر از ۲۲ سال نداشت هنگامیکه باتفاق «جف چندلر» در فیلم «شرق سومانترا» بازی مینمود موقع رقصیدن لغلتا پایش شکست و بالاخره پزشکان مجبور ببریدن پای او شدند. پس از آن نیز امیدواری زیادی بهبودی او میرفت و حتی بعد از دست دادن پایش در فیلم «اسب وحشی» به اتفاق «ویکتور میچر» شرکت نمود ولی بالاخره زخم پایش مبدل بسرطان شد و در بیمارستان در حینی که تازه با «جان لانگ» ازدواج نموده بود فوت نمود.

چندی نگذشت که «رابرت فرانسیس» که اخیرا توسط کمپانی کلمبیا کشف شده و پس از بازی در فیلم «شورش در کشتی کین» آینده درخشانی برایش پیش بینی میشد از بین رفت. رابرت فرانسیس جوانی ۲۴ ساله بود و استعداد زیادی در هنرپیشگی داشت بطوریکه کمپانی کلمبیا اعلام نمود اگر حادثه جانگداز فوت او بوقوع نمیپیوست جزو یکی از هنرپیشگان درجه اول هالیوود قرار میگرفت.

در سی ام سپتامبر سال گذشته «جیمز دین» هنرپیشه مشهور با اتومبیل آلمانی جدید خود در حالی که ۸۰ کیلومتر سرعت داشت تصادف نموده و جابجا کشته شد. مرگ نابهنگام او ضایعه بزرگی برای عالم سینما بشمار رفت. جیمز دین با موفقیت عجیبی که در فیلمهای «شرق بهشت» و «طغیان بدون دلیل» بدست آورده بود مطمئناً تا یکی دو سال دیگر جای «مارلون براندو» را میگرفت.

بعد از چند ماه چهارمین واقعه شوم بوقوع پیوست «جان هودیاک» در حالیکه در منزل خود مشغول اصلاح صورتش بود سکته قلبی نموده و فوت کرد.

«جان هودیاک» از هنرپیشگان کهنه کار و معروف هالیوود بشمار میرفت که اخیرا نیز باتفاق «گلن فورد» در فیلم «محاکمه» شرکت نموده بود.

این مرگهای پی در پی باعث شده که هالیوود در حال انتظار واقعه جدیدی باشد. امروزه همه منتظر هستند که ببینند پنجمین نفر کدامیک از هنرپیشگان خواهد بود؟!

در این خصوص یکی از مخبرین مجله «مووی لایف» در آخرین شماره مجله مزبور چنین نوشته است:

رابرت فرانسیس

حوادثی که پشت سرهم بهنرپیشگان هالیوود روآورده و چهار نفر از مشهورترین آنها را از بین برده باعث شد که نام عده‌ای که «مستعد برای مردن!!» هستند برسر زبانها بیافتد. وی سپس اضافه مینماید: آیا نفر بعدی «ریتا هیورث» خواهد بود و یا «روری کالهون»؟ آیا اینده مرگ بسراغ «لانا ترنر» خواهد رفت و یا مریلین مونرو را از بین خواهد برد؟

این سئوالی است که آینده به آن پاسخ خواهد داد.

ریتاهیورت

جیمز دین

روری کالهون

# HURRICANE SMITH ناوسرقت شده

## یك فیلم پر حادثه و هیجان انگیز از ماجراهای خوفناك جویندگان طلا در اعماق اقیانوسهای پهناور

از وقتیکه سینمای همای فیلم «پسر رنك پریده» وسپس «کاری» و «جنك دنیاها» را بمعرض نمایش گذارد، همه فهمیدند که دوران نمایش فیلمهای مبتذل این سینما سپری شده و دوره جدیدی افتتاح گردیده است. با اینکه تصور میرفت نمایش فیلم سنگین «کاری» در سینمای همای (در اثر سابقه نمایش فیلمهای فارسی وغیره) با شکست روبرو شود، ولی استقبال مردم از آن فیلم نشان داد که فیلم اگر واقعاً خوب باشد، مردم به سابقه زیاد اهمیتی نمیدهند و از فیلم خوب استقبال مینمایند. سینمای همای برای آینده نزدیك نیز برنامه‌های جالبی که تماماً از محصولات کمپانی پارامونت میباشند، انتخاب کرده و این فیلمها را یکی پس از دیگری بمعرض نمایش خواهد گذارد.

فیلم مورد بحث این هفته ما، موسوم به «ناوسرقت شده»، برنامه آینده این سینما میباشد و با اینکه یك فیلم درجه اول هنری نیست، معهذا میان فیلمهای همپایه خود، میتوان آنرا یك اثر جالب و تماشائی دانست زیرا اولا در آن عده‌ای از بهترین هنرپیشگان فیلمهای قهرمانی شرکت دارند، ثانیاً سناریوی آنرا «فرانك گرویر» از مبرزترین نویسندگان امروزی امریکا برشته تحریر کشیده، ثالثاً صحنه‌های رنگی آن در نقاطی فیلمبرداری شده که از حیث داشتن مناظر زیبا کمتر نظیری برای آن میتوان یافت، رابعا خود فیلم دارای یك داستان قهرمانی از جویندگان طلا در ژرفای اقیانوس‌های خطرناك میباشد که تصور میرود خیلی مورد استقبال تماشاچیان قرار گیرد.

فیلم «ناوسرقت شده» در سال ۱۹۵۲ بطور رنگی در کمپانی پارامونت تهیه شده و تهیه کننده آن «نات هولت» معروف میباشد که سابقه زیادی در تهیه فیلمهای قهرمانی دارد و اغلب فیلمهای او را کمپانیهای پارامونت، فوکس قرن بیستم و یونایتد آرتیستس پخش مینمایند. «نات هولت» از میان نویسندگان به «فرانك گرویر» اعتقاد خاصی دارد و تقریبا تمام فیلمهای او توسط این نویسنده برشته تحریر کشیده شده است.

داستان فیلم، همانطور که ذکر شد درباره زندگی پر ماجرای حادثه جویان دریائی است که در جستجوی گنجهای گمشده اعماق اقیانوس‌ها میباشند و خلاصه آن تقریبا بقرار زیر است:

«هاریکن اسمیت» که یك ناخدای ماجراجو میباشد، نزدیك یکی از جزایر جنوبی کشتی‌اش به صخره خورده و متلاشی میشود. «هاریکن اسمیت» باتفاق دو تن از دستیاران خود «اوهارا» و «بروندیج» بهر زحمتی هست وارد جزیره میشوند. هاریکن اسمیت از محل یك گنجینه مغروق بااطلاع میباشد و در همین وقت جزیره از طرف کاپیتن «ریکز» که به برده فروشی اشتغال دارد، مورد حمله قرار میگیرد اما هاریکن اسمیت و دوستانش کشتی او را دزدیده و فرار میکنند و برای بدست آوردن سرمایه جهت استخدام ملاح و کارگر کشتی، بسوی استرالیا رهسپار میشوند.

در استرالیا آنها با «گروالسن» نامی که بدروغ خود را دانشمند معرفی میکند برخورد مینمایند که کشتی آنها را برای عده‌ای دانشمند دریا شناس اجاره مینماید. هاریکن اسمیت که از قصد گروالسن بااطلاع است «اوهارا» را بنام کاپیتن کشتی یعنی هاریکن اسمیت معرفی مینماید و خود بصورت یك ملوان معمولی در می‌آید. گروالسن، دکتر وایتمور و دختر زیبایش «لوانا» را به کشتی می‌آورد و در آنجا «لوانا» را وادار میکند که از هاریکن اسمیت دروغی دلربائی کرده و محل غرق گنجینه را کشف کند. رفته رفته حوادث مهیج وجالب توجهی پیش می‌آید که هم «لوانا» وهم گروالسن میفهمند در پیش بینی خود راه خطا پیموده و هاریکن اسمیت حقیقی تحت نام دیگری زندگی میکند. در آخر کار پس از یك شورش و یك مبارزه خونین، جریانات دیگری حادث میشود که نوشتن آنها در این مقاله، لطف فیلم را از بین میبرد و باید حتما فیلم را دید و از صحنه‌های هیجان انگیز آن لذت برد. در فیلم «ناوسرقت شده» که اسم اصلی آن «هاریکن اسمیت» میباشد، هنرپیشگان زیر شرکت دارند: ایوون دو کارلو (لوانا) - جان آیرلند (هاریکن اسمیت) - جیمز گریك (گروالسن) - فورست تاکر (اوهارا) - لایل بنگر (کلاب) ریچارد آرلن (بروندیج) - امیل میر (کاپیتن ریکز) - ایوون دو کارلو در این فیلم چند رقص تماشائی انجام میدهد و جان آیرلند در صحنه‌ای از فیلم با یك کوسه ماهی نبرد وحشت انگیزی را آغاز میکند که بخاطر آن مجبور شد مدت دو دقیقه زیر آب بماند و از تنفس آزاد محروم بماند. کارگردانی فیلم را «جری هوبر» انجام داده و بیشتر کوشش او مصروف این شده که فیلمش مهیج و قهرمانی از آب درآید.

«ایوون دو کارلو» و «جان آیرلند»

یك صحنه مهیج از فیلم «ناوسرقت شده»

# زورق بی صاحب

## برنامه تاتر تهران

احمد مغازه

خوشبختی و سعادت از نظر اشخاص مختلف در شرایط گوناگون فرق میکند و بهر حال خوشبختی مطلق وجود ندارد .

در پیس «زورق بیصاحب» یك نفر بورس باز، نهایت سعادت خودرا در ترقی سهام بورس ، ورشکستگی رقیب وهزاران نوع حقه بازی‌های تجارتی میداند و برای بدست آوردن پول ازهیچگونه رذالت ، دزدی ، تقلب وحتی قتل نفس خودداری نمی کند،در حالیکه یك پیرزن از یك خانواده ماهیگیر منتهای خوشبختی را وجود یك مرد درخانه میداند و هرمردی‌را بدون توجه باخلاق و صفات او درخانه پذیرائی میکند که فقط مثلا سر میز غذای آنان مردی وجودداشته باشد .

همچنین برای یك ماهیگیر خرید و تصاحب یك زورق ماهیگیری سعادت ایده‌آلی بشمار میرود .... اما مسلماهیچکدام ازاین‌هاسعادت وخوشبختی واقعی آنان را تامین نخواهد کرد .

درپیس « زورق بیصاحب » پرسناژهای مختلف با کاراکترهای گوناگون هریك بدنبال سعادت و خوشبختی میروند ولی ...

درپیس «زورق بیصاحب» اثر « آلکساندر کاسونا » نویسنده اسپانیولی،رذالت وپستی یك بورس باز ، تملق وچاپلوسی- نمك به حرامی وتزویر کاسه‌لیسان و دون صفتان، مناعت طبع وغرور -سادگی وصفای زندگی یك خانواده ماهیگیر فقیر و بالاخره قدرت اراده‌وعشق مورد بررسی قرار میگیرد .

...«ریشاردجردن» بورس باز، صاحب سهام عمده کارخانجات و معادن که برای بدست آوردن آنها ازهیچگونه‌رذالت وحقه بازی فرو گذار نبوده است بواسطه تنزل سهام دربورس بورطه‌ورشکستگی افتاده است .

همکاران وسایر دارندگان سهام ازوی روگردان‌شده و اورا تحت فشار قرارداده‌اند . ریشارد جردن برای خلاصی ازاین وضع حاضراست که بهر عمل ناشایسته و غیر انسانی

کلیه هنرپیشگان پیس « زورق بی‌صاحب »

دست بزند . حتی قتل نفس ...

... خانواده «پیرآندرسن» ماهیگیر در یك قریه کنار دریا با فقر وسادگی زندگی می نمایند . نهایت آرزوی پیرآندرسن وخانواده اش خریدیك زورق قشنك ماهیگیری است و برای بدست آوردن آن از هیچگونه فداکاری واز خودگذشتگی روگردان نیستند. قناعت وپس انداز مبلغی از در آمد ناچیز بالاخره آرزوی آنان‌را بر آورده میکند وبخیال خودخوشبختی‌را بدست‌می آورند ، ولی خوشبختی موقت ... زیرا درشب طوفانی همانروزهنگام مراجعت پیر آندرسن بکلبه محقر خود درحالیکه باصدای‌جذاب یك آوازمحلی زمزمه‌میکرد شبحی بوی نزدیك‌شده و اورا روی‌صخره‌های سنگی ساحل‌می افکند. سینه ماهیگیر جوان‌را سنك تیزی شکافته ودردم جان‌میسپارد . ارتباط‌این‌دوجریان فکرمنحرف‌وطبع‌دون‌ریشاردجردن است که بصورت شیطان‌دراین‌پیس ظاهر میگردد . شیطان‌هنگام ورشکستگی ریشارد جردن بر او ظاهرشده‌وفکرقتل یکنفررا دراو بوجود میآورد. شیطان‌بدون توجه و تمایز بین‌افراد یکنفر را بنام «پیر آندرسن» که در یك قریه شمالی‌همانروز خوشبختی ( زورق ماهیگیری ) را بدست آورده بود برای‌قتل انتخاب میکند ودرمقابل تعهدمیکند که‌ریشاردجردن را از ورشکستگی نجات و رقیب ویرا نابود سازد .

باین‌ترتیب معامله انجام شده وخانواده‌پیرآندرسن‌بدبخت‌میشود ولی‌خلاصی ریشاردجردن از ور- شکستگی خوشبختی اورا تامین نمیکند زیرا وجدان بیدارشده او مانع درك‌خوشبختی است‌وبالاخره برای آرامش خاطر بسوی قریه « پیرآندرسن » حرکت میکند . پذیرائی‌بی‌آلایش‌خانواده‌آندرسن ازوی ، صفا و سادگی زندگی بر محبت‌آنان‌باعث ایجاد فکرجدیدی دروی میگردد که باریشاردجردن سابق بکلی فرق داشت . در اینجا شیطان دوباره بر اوظاهر میشود ولی درمقابل‌قدرت اراده‌اووعشقی که نسبت بزن پیرآندرسن پیدا کرده‌بود شکست‌خورده و مایوس غائب می‌شود ...

«استپانیان» باسلیقه و ذوق مخصوص‌خودپیس«زورق بیصاحب» رامیزآنسن‌داده است .

بازی‌هنرپیشگان عموماخوب وبدون نقص‌بنظرمیرسد . ضیاءدر رل«ریشاردجردن» موربن در رل «استل» ، تابش در رل « رئیس شرکت» ، عبدی‌دررل« بانکدار» و نادره دررل«هانریت» نقشهای خودرا بخوبی ایفا می نمایند .

«وحدت»هنرپیشه با استعداد دررل «بابامارکو» بامهارت کامل تیپ یك‌ماهیگیرپیر کم‌حرف‌وساده را مجسم‌میسازد. بازی هنرمندانه پرخیده دررل«مادربزرك» لطف خاصی باین‌پیس بخشیده‌است.

در این برنامه دکوراز«ازدری» کریم‌از «کیانی»نوراز «شهیر» وعکس از «فتوشهلا» میباشد

البته نقائص جزئی دراین برنامه بنظرمیرسد ولی ارزش‌پیس وبازی هنرپیشگان جبران آنرا مینماید.

ضیاء - پرخیده - وحدت

آیا به آینده صنعت فیلمبرداری ایران میتوان امیدوار شد؟... عوامل و علل اصلی عدم پیشرفت فیلمهای فارسی

# در جستجوی راههائی که باید پیمود

ش: ناظریان

-۱۴-

در دنبال اقداماتی که اخیراً توسط مقامات عالیه برای پیشرفت امر سینما انجام میگیرد بسیار بجاست که این اقدام مهم و اصلی صورت گیرد و چند یا چندین نفری که مطالعات مقدماتی و ذوق و علاقه به هنر سینما دارند، بخارج فرستاده شوند تا مطالعه کامل و جامعی نمایند همچنین برای چند یا چندین ماه از متخصصین خارجی در رشته های مختلف فیلم دعوت شود تا مطالعه کنندگان ایرانی را راهنمائی کنند.

## نگاهی به موقعیت موجود

به عقیده من به آنهائی که تا بحال کارگردانی و مثلا «خلق» فیلمهای ایرانی را عهده دار بوده اند اکثراً هیچ امیدی در موقعیت موجود نمیتوان داشت و هر روز که میگذرد و فیلمهای آنها بازار میآید خودشان بعدم درك سینمائی خود بیشتر واقف میشوند غیر از این عده چند نفری هستند که در رشته های مختلف فیلم برداری در خارج ایران تحصیلاتی کرده اند. عده دیگری از دو سال و نیم پیش باینطرف زیر نظر عده ای از متخصصین امریکائی دانشکده سیراکیوز تحصیل نموده اند. اگر قرار باشد وضعیت بهمین قرار موجود باشد، بنظر من شایسته ترین افرادی که میتوانند تحولی در سینمای ما بوجود آورند و مخصوصاً از لحاظ کارگردانی آنرا بجلو برند همین عده خواهند بود. بدیهی است از این عده تماما نمیتوان انتظاری داشت و این اشتباه نباید حاصل شود که چون اینها تحصیل کرده هستند همگی میتوانند کارگردان و ستاریست های خوبی باشند. ازین هزاران نفری که هر سال از دانشکده های هنری کشورها خارج میشوند بیش از چند نفری نمیتوانند احراز مقام کنند زیرا آنها در حالیکه همگی یکنوع تحصیل کرده اند ولی در استعداد و ذوق متفاوت بوده اند و یکی از مشخصات مهم هر هنرمندی همین داشتن استعداد و قریحه سرشار اوست که در خیلی ها وجود ندارد.

من در بین این افراد - چه تحصیل کرده های خارج و چه آنها که در همین مدرسه سینمائی سیراکیوز تحصیل کرده اند - جداً به چند نفر امیدوار هستم و در آنها علاوه بر ارزش مطالعه شان ذوق و علاقه کار سینما را می بینم.

استودیوهای ما ظاهراً بواسطه معایبی که در سیستم اجتماعی و فکری شان موجود است و از جمله آنها رفیق بازی پارتی بازی و بخل و حسادت و غیره است، تا بحال نخواسته اند از این افراد در کادر خود استفاده کنند. بعلاوه چون ابلهانه باورش تحصیلات سینمائی مشکوك می باشند، بعد از شکستهای متوالی اخیر میگویند ما حاضر نیستیم برای چندمین بار «ریسك» بزنیم آنچه که من در مورد خود و رفقای فارغ التحصیل «سیراکیوز» خود میدانم اینست که این عده شخصاً احتیاجی باستودیوها ندارند زیرا خود در اداره هنرهای زیبا از مدتها پیش مشغول تهیه و تولید فیلمهای صندی و تعلیم و تربیتی بوده اند و تا چند ماه دیگر دست بساختن فیلمهای تجارتی نوع دیگر نیز خواهند زد.

موضوع احتیاج استودیوها باین افراد و استفاده بردن از معلومات آنان است و اگر مدیران استودیوها و تهیه کنندگان ما علاوه بر نفع و استفاده مادی علاقه ای هم به پیشرفت سینمای کشور خود دارند ناچار از این همکاری میباشند.

## مختصری در بارهٔ فیلمبرداری تنظیم نور و موزیك

بعد از سناریو و کارگردانی و مونتاژ، سه جزء مهم دیگر فیلم که در ارزش هنری آن کاملا مؤثر است فیلمبرداری، تنظیم نور و موزیك برای فیلم میباشد. در این شماره بطور خیلی مختصر در باره این سه نکته بحث میشود.

آنچه که در فیلمبرداری مهم است یعنی اهمیت آن جزو وظایف یك فیلمبردار قرار میگیرد، صرف نظر از رعایت نکات فنی زیاد، تنظیم متناسب و دقیق کادر فیلم و نرمش کامل در حرکات دوربین است در کشور امریکا این کار از وظایف «کارگردان عکاسی» محسوب میشود این شخص با درك و دانستن نظریات و ایده های کارگردان اصلی فیلم، کادر فیلم را چه موقعی که صحنه ثابت و یا متحرك است تنظیم می کند. در تنظیم کادر فیلم صرف نظر از زیبائی به خطوط ساکن یا دینامیك و غیره توجه کامل میشود.

همچنین کادر یك صحنه طوری تنظیم میشود که متناسب با کادر صحنه قبل و بعد باشد و در حالات عادی میان هر کدام از این صحنه ها تولید «انتقال» صحیح بنماید و در حالتی هم که از اثرهای نوری مثل «Dissolve تداخل» و «Wipe محو» استفاده میشود، مفهوم قرار دادی این اثرهای نوری را برای تماشاچی بروشنی بیان کند. بعبارت دیگر بازطوری صحنه ها بایك عمل «تداخل» بهم منتقل شوند که تماشاچی گیج نشود و منظور را دریابد.

نرمش حرکات دوربین و اینکه مخصوصاً در موقع ترکیب حرکات دوربین با حرکات اکتور باید هماهنگی کاملی موجود باشد، از کارهای مهم فیلمبردار است. تنظیم کادر فیلم همچنین حرکات آن در انواع فیلمهای درام، کمدی، موزیکال وغیره فرق میکند. من باب مثال در یك فیلم موزیکال مخصوصاً اگر صحنه ها مربوط به رقص و بالت باشد حرکات دوربین هماهنگ رقاص ها درست مثل آنست که دارد رقص انجام میدهد. حرکات موزون و باصطلاح موزیکال دوربین در فیلمهای ساخت شوروی و فرانسه خیلی زیاد مورد توجه قرار میگیرد.

فرانسویها این مزیت را نیز دارند که با حرکات موزون دوربین از صحنه های ساکن طبیعت تولید صحنه های دینامیك و زنده ای میکنند.

تنظیم نور فیلم یکی از اجزاء مهم آنست. این کار بمقدار زیادی از هنر نقاشی متاثر بوده و هست و همان اهمیت و ارزش را که نور و سایه و سایه روشن در نقاشی دارد در فیلم نیز حائز میباشد و البته بستگی کامل به نوع معنوی و فرم آن دارد.

در اصطلاح امریکائی سه نوع تنظیم نور موجود است ۱- «High key» - که نور صحنه بطور کلی زیاد است و از سایه و سایه روشن در آن پرهیز میشود.

در فیلمهای موزیکال و کمدی این نوع تنظیم نور بکار برده میشود ۲ - «Low Key» که شبیه تنظیم نور بطریق فیلمهای سبك «اکسپرسیونیسم» آلمان قبل از جنگ میباشد یعنی نور صحنه بطور کلی کم است و از سایه و سایه روشن در آن کاملا استفاده میشود.

این تنظیم نور در فیلمهای درام و تراژیك با در نظر گرفتن محویات گوناگون آن و بطور کلی فیلمهای جدی و سنگین بکار برده میشود. ۳- «Medium Key» که حد وسطی بین این دو نوع تنظیم نور است و در فیلمهای ملودرام و بعضی فیلمهای موزیکال که جنبه جدی تری دارند و غیره بکار برده میشود.

تنظیم نور در کشور های مختلف تولید کننده فیلم مطابق طرز تفکر هنری آنها نسبت بآن تفاوت می کند. تنظیم نور فعلا در فیلمهای ایتالیائی و انگلیسی ارزش بیشتری را از فیلمهای امریکائی حائز است. در فیلمهای تهیه شده این دو کشور سعی میشود برای نمایاندن و ابراز کاراکتر بازیکن، از نور بنحو عالی استفاده شود همچنین حالت احساس و عاطفی بازیکن را با تنظیم نور صحنه ای که او در آنست به تماشاچی منتقل می کنند.

آنچه که بهر جهت جای هیچگونه شك و تردید نیست ارزش مهم تنظیم نور صحنه های فیلم و اطلاعات فنی و هنری مقصد بان آنست که باید دارا باشند.

جزء مهم دیگر فیلم موزیك آنست. از همان اوقاتی که فیلمهای صامت تهیه میشد بارزش موزیك

(بقیه در صفحه ۲۰)

# تاریخ سینمای امریکا

## سالهای جنگ (۱۹۴۰-۱۹۴۵)

درسال ۱۹۴۰ جایزه بهترین سناریو به فیلم «مک کیتی کبیر» تعلق گرفت و فیلم «ربه کا» را بهترین محصول سال دانستند. «جینجر راجرز» برای بازی در فیلم «کیتی فویل» و «جیمز استوارت» برای بازی در فیلم «داستان فیلادلفیا» بهترین هنرپیشگان سال شناخته شدند وجان فوردهم برای کارگردانی فیلم «خوشه‌های خشم» مبرزترین کارگردان سال معرفی گردید. امافیلم «دیکتاتور کبیر» باشتراك ویکار. گردانی چارلی چاپلین، اصلامورد توجه قرارنگرفت وبکارگردان فنی فیلم «مسافرت طویل بخانه» اثر جان فورد، کوچکترین جایزه‌ای ندادند درصورتیکه این دوفیلم ازهرلحاظ خوب وقابل توجه بودند

در این موقع ناگهان اخبار جنگی اروپا، هالیوود را پر کرد وعده‌ای ازهنرپیشگان وکارگردانان مهم اروپائی که با رژیم هیتلری مخالفت داشتند روانه امریکا شدند ودرآنجا بکارمشغول گردیدند. چند نفر از آنها کـه در زیر نام میبریم از آنهای دیگر مهمترند: ژولین‌دوویویه - برادران‌حکیم - ژان‌رنوار - رنه کلر - ویکتور فرانسن - مارسل‌دالیو که چهار نفر اولی کارگردان بوده و دو نفر آخری هنرپیشه بودند. «ژوزف‌ارمولیف» که نسخه فرانسوی «میشل استروگف» را درفرانسه تهیه کرده بود، نسخه امریکائی آنرا در هالیوود ونسخه اسپانیائیش‌را در مکزیکو جلوی دوربین برد و در حقیقت کارخودرا ادامه داد.

ژولین دوویویه بین سالهـای ۱۹۴۰ تا ۱۹۴۵ چهار فیلم درهالیوود تهیه کرد که مهمترین آنها «افسانه‌های مانهاتان» بـه اشتراك هنرپیشگان درجه‌اول هالیوود بود. وقتی جنگ اروپا پایان رسید ژولین‌دوویویه‌دستگاه خودراجمع کرد و بفرانسه رفت و اولین فیلم بعدازجنگ خودرا بنام «خشم» باشتراك «ویویان رومانس» تهیه کرد.

«ژان‌رنوار» در طی همین‌مدت‌سه‌فیلم‌بزرگ تهیه کرد بنامهای «آبهای‌مرداب»، «این‌زمین‌مال من است» و «جنوبی» که فیلم اخیر از آثار مهم‌وعمیق او محسوب می شود. در سال ۱۹۴۵ فیلم «یادداشتهای‌یك‌خدمتکار» وسال بعد «زنی درکنار ساحل» را تهیه کرد. «رنه کلر» که ازکارگردانهای‌معروف دوره «آوان گارد» فرانسه بود، چهارفیلم کارگردانی کرد که بهترین آنها «ده‌سیاه کوچك» اقتباس از روی اثر مشهور آگاتاکریستی بود. «لئونیدموگی» در

روبرت فلوری - رنه کلر - رابرت فلاهرتی

کمپانی فوکس دوفیلم باشتراك جرج‌ساندرز تهیه کرد و «کورتیس برنهاردت» نیز باستخدام کمپانی برادران در آمد و در هالیوود ماندگارشد. آخرین این کارگردانهای روزاز اروپائی «روبرت‌سیمون ماك» بود که در کمپانی یونیورسال کارمیکرد و سالهای مدید فیلم های این کمپانی‌را کارگردانی نمود اما اخیرا بازوپا بازگشته وشخصا بطورمستقل تهیه‌وکارگردانی فیلم پرداخته‌است.

هنرپیشگان اروپائی مخصوصافرانسه اشتغال‌شده، درهالیوود با آغوش باز استقبال‌شدند. «سیمون‌سیمون» در دوفیلم «مادموازل فی‌فی» و «مردم گربه‌مانند» بازی کرد وفیلم دوم که توسط «ژاك تورنور» کارگردانی‌شده‌بود ازلحاظ‌فروش موفقیت فراوانی‌پیداکرد «آنابلا» که قبل از جنگ هم در امریکا شهرتی داشت و مخصوصا ازدواجش با «تایرون‌پاور» اورا مشهور کرده بود، در سالهای‌جنگ درفیلمی بازی نکرد و بیشتر برای سربازان امریکائی نمایش داد و سپس درسال ۱۹۴۶ از تایرون‌پاورطلاق گرفت.

در اوائل سال ۱۹۴۱ کمپانی‌های‌هالیوود اعلام‌کردند که فیلمهای جنگی نخواهندساخت ولی درهمان‌موقع‌قریب سی‌فیلم جنگی جلوی دوربین بود. مسئله نگرانی استودیوهاازاینکه مبادا دولت امریکاواردجنگ‌شود، بطورشدیدی درهالیوود موردبحث واقع شده و استودیوها برای روزمبادا کوشش‌خودرا چندبرابر کرده وپشت‌سر هم فیلم برمیداشتند که آنهارا انبارکنند و بعداً نشان دهند. هر استودیوئی در تعقیب این‌سیاست، ۴۰ فیلم‌مختلف‌تهیه کرد ومخصوصا سعی‌میکردند فیلم خام بمقدار زیاد احتکار کنند تا در صورت بروز جنگ دچار مضیقه‌نشوند وازطرفی‌می‌ترسیدند که‌هنرپیشگان‌وکارکنان فنی را بخدمت ارتش احضار کنند و آنهارا دردست تنگی بگذارند یك‌واقعه‌مهم دیگرکه در اواسط‌سال ۱۹۴۱ حادث شد این بودکـه کمپانی‌ها تصمیم گرفتند بجای تهیه ۲۰ فیلم بزرگ‌و ۳۰ فیلم درجه‌دو ودرجه سه درسال، فقط ۳۰ فیلم درجه‌یك بسازند و چون بمقدار کافی‌فیلم خام ذخیره‌کرده‌بودند و ازاین‌حیث‌خیالشان‌راحت‌بود، لذا نوع‌وکیفیت فیلمها کم‌کم بهتر شد. درسالهای جنگ مردم‌با علاقه و شهوت بیشتری به سینماها هجوم آوردند و رفته رفته سیاست «دو فیلمی» تغییر کرد و درهرسانس فقط یك‌فیلم‌و دوسه‌فیلم‌کوتاه‌خبری یا موزیکال‌یلیکاسیون (تصویرمتحرك) نشان‌داده‌میشد در صورتیکه قبلا در هرسانس دوفیلم بزرگ‌نمایش‌میدادند.

ازسال ۱۹۴۲ ببعد وضع سینماها تغییرات فاحشی کرد. از طرفی دولت مالیات و عوارض بلیطهای ورودی را بالابرد و از طرف دیگر مردم بمقیاس زیادتری سالن‌های سینما را پر میکردند. دیگر لازم نبود برای جلب مردم به سینما، جایزه ولاتاری و غیره ترتیب دهند و یا مخارج خیلی کمی میشد از فیلمها استفاده کرد. در سالهای قبل از جنگ هرسینما معمولا هفته‌ای یکمرتبه برنامه‌اش را عوض میکرد اما این مدت رفته رفته طویلتر میشد و از ۱۹۴۲ ببعد مدت نمایش فیلمها در سینماهای درجه دوم به یکماه و دو ماه میرسید.

در طی سال ۱۹۴۱ مقدار زیادی فیلمهای خوب تهیه شد که در زیر بچندتای آنها اشاره میکنیم: «جانه تساکو» اثر جان فورد و باشتراك جین تیرنی وجاك گریسون، اقتباس از روی رمان ارسکین کالدول - «نام آبجیرهای را که بول میتوانند بخرند» بکارگردانی ویلیام دیترل و باشتراك والتر هوستون - «فنا» بکارگردانی هوارد هاکز و باشرکت گاری کوپر و بارباراستانویك. «دنیای زیر زمینی» اثر «وینست شرمن» - «شکوفه‌ها در غبار» بکارگردانی مروین لوروی و باشتراك گریر گارسن و والتر پیجون - «سوءظن» با شرکت کاری گرانت و جون فونتین و بکارگردانی آلفرد هیچکاك «رب افکن عودرو» باشتراك ارول فلین و فرد مک مورای اثر مایکل کورتیز - «دکتر جکیل و مستر هاید» بکارگردانی وینکود فلیپاك و باشتراك اسپنسر تریسی و اینگرید برگمن و لاناترنر -

(بقیه در صفحه ۲۰)

# در استودیوهای فیلمبرداری ایران چه میگذرد

## فیلمهائیکه جلوی دوربین هستند

پس از رکودی که درسال جاری در مورد تهیه فیلمهای فارسی ایجاد گردید ، از آنهمه استودیوهای فیلمبرداری عریض وطویل ومختلف الاسامی فقط چند تائی که دارای قدرت مالی بیشتر ، وسائل مکمل‌تر و برنامه‌ای نسبتا صحیحتری بودند ، توانستند بروی پای خود ایستاده و بکار ادامه دهند . فیلمهائیکه درحال حاضر این استودیوهای چندگانه جلوی دوربین فیلمبرداری دارند و بزودی برای نمایش آماده خواهد شد ، بشرح زیر بنظر خوانندگان عزیز میرسانیم .

مغازهٔ

### استودیو عصر طلائی

استودیوی عصر طلائی از جمله استودیوهای با سابقه ایران است که از بدو تأسیس با برنامه صحیح و سرمایه نسبتا کافی شروع بکار کرد. فیلمهائیکه تاکنون این استودیو تهیه کرده است عبارتند از : فیلم کمدی «مشهدی عباد» با شرکت «تفکری» ، «دختر چوپان» با شرکت «شهلا و مجید محسنی»، «میلیونر» با شرکت «تفکری» و «فرزند گمراه» باشرکت «مهین دیهیم و امین امینی» .

فیلم دیگری نیز بنام «بوسه مادر» آماده نمایش دارد که در چند شماره قبل شرح آنرا بنظر خوانندگان رسانیدیم .درحال حاضر این استودیو دو فیلم بشرح زیر در دست تهیه دارد :

### ۱۷ روز باعدام

داستان فیلم پلیسی «۱۷ روز باعدام» از روی یك رمان امریکائی اقتباس شده است و موضوع آن درباره کشته شدن یك زن دورمیزند و خلاصه آن چنین است : زنی بقتل میرسد . پلیس شوهر او را زندانی میکند ولی شهود درساعت وقوع جرم متهم را درجای دیگر دیده‌اند . البته شهود بدواً ازدادن شهادت بنفع متهم خودداری میکنند وهنگامی که حاضر بادای شهادت میگردند ،بوسیله شخص ناشناسی بقتل میرسند . متهم محکوم باعدام میشود ولی پلیسی که اورادستگیر کرده بود متوجه بیگناهی وی شده ودرصدد پیدا کردن قاتل اصلی بر میآید . صبح روز اعدام ، درست هنگامیکه متهم را برای اعدام از زندان می برده‌اند ، قاتل اصلی دستگیر میشود وبگناه خوداقرار می‌نماید ...

در فیلم «۱۷ روز باعدام» هنرپیشگان معروفی مانند «ناصر ملك مطیعی»، «مهدوی»، «سوسن» و «مینا» شرکت دارند ازاین فیلم تاکنون مدت ۶۰ دقیقه فیلمبرداری گردیده‌است. کارگردان وسناریست فیلم هوشنك کاوسی می باشد .خانی فیلمبرداری آنرا بعهده دارد .مدیر فیلم «۱۷ روز باعدام» فرج‌الله نسیمیان می باشد .کارکنان استودیو عصر طلائی سعی دارند که این فیلم را برای عید نوروز آماده نمایش بکنند .

### زندگی پس از مرك

دومین فیلمی که استودیو عصر طلائی درحال حاضر جلوی دوربین فیلمبرداری دارد فیلم «زندگی پس ازمرك» میباشد . سناریوی این فیلم ازروی رمانی بهمین نام اثر نویسنده معروف «ماری کوریللی» تنظیم گردیده‌است .

زندگی پس از مرك داستان مردی است که دچار یکنوع بیماری میگردد اطرافیان او گمان میکنند که مرده است واورا درتابوتی گذاشته و بقبرستان میفرستند . پس از ۴۸ ساعت بیماری مرد برطرف گردیده ودرتابوت بهوش میآیدو باشکستن آن خودرا فارغ میکند.

چندساعتی که درتوی تابوت بوده درقیافه او بقدری تغییر ایجاد می کند که پس از بازگشت بزندگی اطرافیانش اورا نمی‌شناسند و او متوجه میشود که زنش با یکی از دوستان سابقش رابطه نامشروع پیدا کرده است و باو خیانت میکند لذا تصمیم بانتقام گرفته و با وسایل گوناگون طی یك داستان حیرت انگیز وپرحادثه انتقام خودرا میگیرد .

کارگردانی فیلم «زندگی پس ازمرك» را عطاءالله زاهد بعهده دارد . عطاءالله زاهد ازجمله هنرپیشگان با استعداد وانگشت‌شماری بود که تا چندسال قبل با ایفای رلهای مختلف معروفیت بی‌نظیری کسب کرده وهنوز هم اثر آن در خاطره‌ها باقیست . زاهد بادوبلاژ فیلمهای «مرا ببخش» و «آهنك شهرزاد» با عالم سینما آشنا شده وپس ازچند سال مطالعه کارگردانی د و فیلم «بوسه مادر» و «زندگی پس از مرك» را دراستودیو عصر طلائی به عهده گرفت . «خانی» فیلمبردار باذوق استودیو عصر طلائی درموفقیت فیلمهای مزبور سهم عمده‌ای دارد و در این فیلم بخصوص فعالیت زیادی از خودنشان میدهد . دکورهای با عظمت فیلم «زندگی پس از مرك» بوسیله قویدل ساخته شده‌است . فرج‌الله نسیمیان طبق معمول مدیریت تهیه این فیلم را بعهده دارد .

(بقیه در صفحه ۲۰)

ناصرملك مطیعی و سوسن در «۱۷ روز باعدام»

ناصرملك مطیعی درصحنه ای از زندگی پس ازمرك

## ری فیلم

«شب‌پره» در کار تاتر و سینما سبك مخصوصی‌دارد . تاچند سال قبل با بروی صحنه آوردن پیس‌های مجلل تاریخی و فانتزی با پرسناژهای متعدد ، لباسهای گوناگون و دکورهای با عظمت توأم با ساز و آواز ورقص، بکار تاتر مشغول بود و در دوسال‌قبل باتهیه‌فیلم تاریخی «عروس‌دجله» فعالیت خود را بعالم‌سینما کشانید. فیلم«عروس‌دجله» آزمایشی بود که «شب‌پره» راباکارسینما آشنا ساخت وبا وجود اینکه‌اولین کار سینمائی اوبود نسبت‌بسایرفیلمهای ایرانی چندان بد بنظر نمی‌آمد . پس از تهیه این فیلم شب‌پره‌دست بکار تهیه مقدمات فیلم باعظمتی‌شد که‌هم‌اینك بنام«رقص‌انتقام» جلوی دوربین فیلمبرداریست .

## رقص انتقام

در راه تهیه فیلم تاریخی «رقص انتقام» ازهیچگونه زحمت و خرج مضایقه نمیشود لباسهای زیبا ، دکوراسیون مجلل تاریخی، موسیقی و رقصهای گوناگون و بالاخره شرکت‌هنرپیشگان ایرانی و هنرمندان خارجی در این فیلم نشانه عظمت آن‌است.در این‌فیلم علاوه برآنکه هنرپیشگانی مانند «سارنك»،«رخشانی»،«پروانه» «ظهوری» ، « دست ورز » ، «قدکچیان»، «مانی»و «متین» بازی میکنند ، بادوهنرپیشه جدید وبا ذوق یعنی «بانو مشکین» و «محسن‌آل‌داود» آشنا میشویم .

بانومشکین برای اولین‌باردرفیلم «مستشارجزیره» محصول استودیو ایرانا که شرح آن‌درشماره‌آینده بنظر خوانندگان‌خواهدرسید، رل اول را بعهده گرفت و بلافاصله درفیلم «رقص‌انتقام» رل مهم و حساسی‌بوی واگذار گردید .

اهالی شهر مشهدبا هنرنمائی «محسن آل داود» آشنائی دارند

(بقیه درصفحه ۲۰)

آل‌داود - کنچیتا - پروانه در «رقص انتقام»

## «ماه جهان» و «محسنی» در «زندگی شیرین است»

## دیانا فیلم

کسانیکه با هنر تآتر ایران آشنائی دارند ، حتی کسانیکه‌سالی و ماهی یکبار بتآتر میروند ، با هنر وشرینکاریهای«مجیدمحسنی» آشنا هستند . مجید بـا استعداد سرشار خود توانست‌در مدت‌کمی محبوبیت خاصی بین تماشاچیان تآتراحراز نماید وسپس‌هنروذوق خود را از صحنه تاتر بروی‌پرده سینماکشانید وما اورا در فیلمهای «خوابهای‌طلائی»،«دخترچوپان» «دزد عشق» و «خواب وخیال» دیده‌ایم . مجید علاوه براینکه در صحنه تآتر و روی پرده سینمایك هنرپیشه‌کمدی است ، در زندگی جدی خود نیز دست از شوخی و مسخرگی برنمیدارد.

هنگامیکه بفکر تهیه‌مطالب این صفحه افتادیم خواستیم ازفیلم جدید مجید نیزاطلاعاتی دراختیار خوانندگان عزیز بگذاریم . ولی مگرپیداکردن مجیدکارآسانی‌بود بهر سوراخ و سنبه‌ای که فکر می کردیم سر زدیم ولی اثری از او بدست نیاوردیم تا اینکه روزی‌او را در تآتر پارس غافلگیر کرده‌و تقاضای خود را با او در میان گذاشتیم . مجید بجای جواب به سئوالات ما،ورقه‌ای را از کیف خود درآورده و درکف نگارنده گذارد و بدون معطلی غیب‌شد ! اینك ناچار عین نوشته مجید رابه نظرخوانندگان میرسانیم:

## زندگی چه‌شیرین است

دوست عزیز : ازمن خواسته بودی که‌مختصری‌ازداستان‌سناریوی فیلم « زندگی چه شیرین است» را برایت بنویسم وچند کلمه‌ای در مورد این فیلم برایت شرح دهم . بنا بمصداق «حلوای تن ترانی ، تا نخوری ندانی » باید عرض‌کنم که فیلم «زندگی چه‌شیرین‌است» را هم باید دید تا دانست و الا نوشتن‌مختصرآن لذتی‌نصیب‌کسی نخواهدکرد و شیرینی آن بدیدن آنست زیرا در این داستان خودم به هفت رنك وشکل و شمایل در می‌آیم ، « ماه جهان » عـروس داستان «امیرارسلان» رل‌معشوق مرا بازی میکند و«تهمینه» رل مقابل مرا در صحنه تآترکه در فیلم نشان داده‌میشود، بعهده‌دارد.

« فکری » در این فیلم رل پروفسور قابلی را ایفا میکندکه « داستان زندگی شیرین است » را با عمل جراحی خود شیرین‌ترو گرمترمیکند و«قنبری» هنرپیشه جوان تاتر دراین‌فیلم بامن‌رقابت میکند .

این دومین فیلمی است که‌من باکمك دوست هنرمندخود«ژرژ» کارگردانی‌آنرا بعهده‌گرفته‌ام . « ژرژ » فیلمبرداری زیبای این فیلم را انجام داده است.

این فیلم کـه در استودیو «دیانا فیلم» تهیه میشود تاکنون کنون قریب ۶۰ دقیقه از آنرا فیلمبرداری‌کرده ایم و امیدواریم مقبول نظر تماشاچیان عزیز قرار گیرد . در خاتمه سلام خود را به عموم خوانندگان ستاره سینما می رسانم .

قربانت «مجید»

# در پاسخ نامه های خوانندگان

## آقای گ. گالوستیان

برای مکاتبه با «سوزان هیوارد» نامه خودرا به کمپانی مترو گلدوین مایر یا فوکس قرن بیستم بفرستید آدرس کمپانیهای امریکائی در شماره ۴۱ درج شده است.

## آقای وارطان و واهاك آوانسیان

۱ـ عکس سوفیالورن راکه چاپ کردیم ۲ـ آن فیلم متعلق به کمپانی مترو گلدوین مایر و کارگردانش «وینسنت مینلی» بود ۳ـ آخرین فیلم هوارد کیل «قسمت» نامدارد و رل مقابلش راآن بلایت بازی میکند.

## آقای خسرو گل بخت

چنانچه امضای خودرا خوانا بنویسید هیچوقت چنین اشتباهاتی تولید نمیشود واینك پاسخ سئوالات شما: ۱ـ از «مارلون براندو» فیلم «مردان» آماده بنمایش و فیلم «دزیره» در راه است ۲ـ تهیه فیلم «برهنه خوشحال» نیز بعللی ناتمام ماند ۳ـ فیلم «جانی گیتار» و «شهر تاریك است» را بزودی ازاسترلینك هیدن خواهید دید.

## آقای ابراهیم جعفرعلی

اولا این نخستین نامه‌ایست که ازشمادریافت میکنیم و بجان عزیز جینالولو بریجیدا وسوفیالورن هم قسم میخوریم که باور کنید؛ ثانیاً مخترع سینما، همانطورکه طی مقالات گوناگون نوشته‌ایم، یکنفر بخصوص نبوده وعده‌ای ازمخترعین پابپای هم در فرانسه وانگلستان و امریکا موفق باین اختراع مهم شده‌اند. امریکائیها مخترع سینما را «ادیسون» میدانند، فرانسویها «لوئی لومیر» وانگلیسها «فریز گرین» و هنوزدرست معلوم نشده که کدامیك از اینها واقعاً مخترع و پدر حقیقی سینما بوده‌اند. ثالثا اینکه بزرگترین استودیـو های امریکائی از لحاظ عظمت و تهیه فیلمهای خوب «مترو گلدوین مایر» است و علیکم السلام ورحمه‌الله و برکاته!

## آقای ایرج رضائی

چنانچه نامه شما بما نرسیده است تقصیر چاپار خانه مبارکه است و حالا که مجله هفتگی شده، مسلماً جواب سئوالات خوانندگان زودتر داده میشود و بهمین جهت بشما عرض میکنیم که ۱ـ هنرپیشگان فیلم «پایان ظلمت» عبارت بودند از «لودمیلاچرینا» و «ویکتورفرانسن» ۲ـ درموردسرعت اسبها ووسائط نقلیه مطمئن باشید که حقیقت همین است که شما روی پرده سینما می بینید و حقه‌ای در کار نیست منتها اگر اسبها و یا وسط نقلیه را از نزدیك نشان دهند، مربوط به پرده «ترانس پارانس» است که چندین بار در حقه‌های سینمائی و پاسخ خوانندگان راجع بآن توضیحاتی داده شده است ۳ـ در مورد بازی ناصرملك مطیعی وآرمان و چـرا اینکه ملك مطیعی برنده جایـزه نشد، نمیتوانیم خدمت شما دلیلی ارائه دهیم زیرااین انتخاب بسته بنظر هیئتی بوده که لابد برای ابراز عقیده خود دلایلی داشته‌اند.

## آقای جعفر افتخارجوادی

۱ ـ در یکی از شماره‌های آینده قوم وخویش‌های هالیوودی را بشما معرفی خواهیم تا بدانید کدام هنرپیشگان با هم نسبت دارند وکدامشان ندارند ۲ـ ریتاهیورث فعلا در حال تعلیق بسرمیبرد زیرا حاضر نشد که در فیلم «یوسف و برادرانش» بازی کند وکمپانـی کلمبیا هم او را منتظر خدمت کرد اما فیلم «میس سادی تامپسون» راکه از بهترین فیلمهای اوست، امسال در سینما کریستال خواهید دید ۳ـ تعیین بهترین هنرپیشه زن ومرد یعنی چه؟ از کدام کشور؟ در چه سالی؟ از چه نقطه نظر؟ کمی بیشتر توضیح بدهیدتا ماهم بتوانیم جواب درستی بدهیم ۴ـ ازفیلمهای «سوفیالورن» هم بزودی خواهید دیدمخصوصاً فیلم «آتیلا» و «دختر رودخانه» راکه هردو ازبهترین فیلمهای اوهستند.

## آقای محمد ناطقی

البته پیشنهاد شما صحیح و بجاست ولی یك نکته رافراموش کرده‌اید وآن اینست که فیلمهائی که درشهرستانها نمایش داده میشوند معمولا همانهائی هستند که قبلا در تهران نشان داده‌اند وشرح وبسط و انتقاد ما شامل آنها نیزمیشود. در مورد تئاترهای شهرستانها نیز باید عرض شود که بدون رودربایستی در شهرستانها تئاتر خوب ومناسبی وجودندارد که بتوان ازنمایش آنها انتقاد کرد یا هنرپیشگانش راتشویق نمود. البته خواهید بخشید.

## آقای امین‌الله فخار

الطاف بی‌دریای شماحقیقتاً ما را شرمنده میسازد ونمیدانیم با چه زبانی تشکر کنیم اما اینرامیتوانیم بگوئیم که: ۱ـ شماره‌های کسری خودرامستقیما ازدفترمجله بخواهید منتها باید معادل قیمت آنها که ۳۴ ریال میشود تمبر پست باطل نشده بفرستید ۲ـ در مورد دوبلاژ نیز اگر فراموش نکرده باشید مقاله مفصلی نگاشته‌ایم: یکبار دیگر دوره مجله را مرور بفرمائید ۳ـ چاپ اعلانات تجارتی همانطورکه چندین بارنوشته‌ایم، برای تقویت بنیه مالی مجله و ادامـه انتشار آنست و شماکه میخواهید مرتبا مجله را دریافت کنید، نبایـد از ایـن قسمت گله و شکایتی داشته باشید.

## آقای صدربوشهری (آبادان)

پس از تشکر ازمهربانیها و تشویقات شما عرض میشودکه ما چون خواستیم قیمت مجله راکسر کنیم ناچار ازمخارج زائدآن نیز کاستیم و شما نباید مجله مارا با خواندنیها مقایسه کنیدزیراآن مجله ۱۴ سال است که منتشر میشود و مجله ما بیش از ۲ سال از عمرش نمیگذرد وانگهی خواندنیها چاپخانه وکاغذ و تشکیلات گـراور سازی مفصل دارد وقیمت مجله برایش ارزان تمام میشود ولی ماکه این چیزها را نداریم و هر هفته باید مقدار هنگفتی بالای گراور وکاغذ و چاپ مجله از جیب مبارك مایه برویم. درمورد عکس چین راسل هم فکری خواهیم کرد بشرطی که شما هم صبر و حوصله داشته باشید.

## آقای کاظم عاشوربویان (خرمشهر)

برای شادشدن روح شماعرض میشودکه ۱ـ برت لنکستردرامریکا متولد شده وزنش «نرما» نام‌دارد ۲ـ خوانندگان ایرانی برای این در فیلمهای وطنی شرکت نمیکنند که اولا اغلب آنها «فتو ژنیك» نیستند یعنی عکسشان خوب نمیافتد و ثانیا اینکه هنوز صدا برداری درایران پیشرفتی نکرده و صدای آنها در فیلم خراب شده و روی تماشاچـی تأثیری نمیکند. ثالثا آنهائیکه دست باینکارزدند خیلی پشیمان شده‌اند و سرنوشت آنها درس عبرتی برای سایرین گردیده است ۳ـ آدرس سیلوانامنگانو نیز «رم ـ استودیولوکس فیلم» است.

## آقای هدایت یوسفی (تبریز)

دوست عزیز، مطمئن باشید که نامه هیچیك ازخوانندگان باوفای ما بایگانی نمیشود زیرا برای اداره مجله هیچگونه نفعی ندارد و چه بسا که مایه گله وشکایت خوانندگان نیز بشود. بنابراین در چند ماه اخیراین اولین نامه شماست که بما میرسد وماهم پاسخ سئوالات شما را بدین ترتیب میدهیم که ۱ـ عکس ناصرملك مطیعی را در همین شماره میتوانید تماشا کنید وعکس ونگر اوطلب شما ۲ـ بجز شماره ۱۴ بقیه شماره‌ها را موجودداریم بافرستادن ۱۸ ریال تمبر پست میتوانید آنها را ازما بخواهید ۳ـ درفیلم «دزد بندر» هم بانوغزال آواز نمیخواند واگر دقت کرده بودید میدیدید که روی تیترهای خود فیلم هم نوشته بود که آواز از بانو دلکش است. حالا به بینید که کدامیك از شما با دوستتان شرط را برده اید و در هر صورت سهم مارافراموش نکنید!

## آقای حسن بودی (مسجدسلیمان)

اولا «آقای رئیس مطبوعات ستاره سینما!» بشما سلام میرسانند ومیفرمایند والله بخدافیلم «منگاله!» وتارزان و سامیه جمال در اختیار من نیست که برای شما یاسینماهای مسجد سلیمان بفرستم وارسال عکس های ستارگان عزیزشما نیز منوط باین است که پول برای مغازه زاندارك یا پرس پلیس درخیابان منوچهری و لاله‌زارنو بفرستید و عکسهای مورد علاقه خود را بخواهید. در ضمن میگویند حالا بهتراست شما تحصیلات خود را ادامه بدهیدولا اقل دوره متوسطه را باتمام برسانید وآنوقت برای هنرنمائی درفیلمهای ایرانی بسوی تهران حرکت کنید! موفقیت شماوسایرخوانندگان مسجد سلیمانی را خواستاریم.

# هنرپیشگان هفته

## استیو کاچران

در هالیوود کمتر کسی است که بتواند نقش جنایتکاران را آنطور که (استیو کاچران) ایفا مینماید بازی کند. بازی گرم و گیرای این هنرمند در فیلمهای «فرداهم روزی است» و «ماجرای کارناوال» تماشاچی را از بدو شروع فیلم تا آخر در ناراحتی و اضطراب نگاه میدارد و همین موضوع سبب گردیده است که مردم ما اورا در ردیف هنرپیشگان محبوب خود قرارداده (استیو) هم موفقیتی برموفقیتهای سابق خود بیافزاید.

(استیو کاچران) تحت نام (رابرت . آ . کاچران) در شهر «اورکا» از ایالت «کالیفرنیا» بدنیا آمد. امسال تقریباسی سال از سنش میگذرد پدرش دریك کارخانه چوب سازی الوارچی بود و باحقوقی که از این شغلش میگرفت زندگی فقیرانه‌ای را میگذراند. دوران طفولیت (استیو) در همان کارخانه چوبسازی سپری گردیدو او درحالی که شبها درس میخواند روزها پدرش در اینکار کمك مینمود پس از پایان دورهٔ تحصیلات متوسطه‌اش دریکی از کارگاههای صنعتی مشغول کار گردید.

این شغل (استیو) چندان آبرومند نبود و او برای یافتن شغل مهمتری ازسواحل غربی امریکا به «ترویل» آمدو بعنوان هنرپیشه نقشهای منفی در تئاتر «فدرال» بکار اشتغال ورزید. از آنشب ببعد در تماشاخانه مزبور هیاهوی عجیبی برپا بود زیرا (استیو) باعث شده بود که سایر هنرپیشگان آن تماشاخانه نتوانند درمقابل بازی او عرضه اندام کنند باین ترتیب عده‌ای ازهنرپیشگان اعتصاب کردند و بقیه با ازهنرپیشگی دست کشیده و یاقهر کرده و بمنزلشان تشریف برده بودند همین موضوع سبب شد که در تئاتر فوق الذکر «تخته!» شود... رئیس تماشاخانه هم باین سبب عذر (استیو) را خواست. استیو کاچران با اینکه شکست خورده بود معذالك ازپای ننشست ودر رادیو بعنوان گوینده مشغول کار گردید همینکه پول هنگفتی پس انداز نمود بصوب هالیوود رهسپار گردید!

ساموئل گلدوین از قیافه (استیو) خوشش آمد ودورهٔ مربوطه بهنرپیشگی را بوی آموخت و در اوایل سال ۱۹۴۵ بود که (استیو) نخستین فیلمش را بنام «مردعجیب» بازی نمود. فیلمهای بی‌نظیر او بترتیب عبارتند از «دراوج قدرت» «درراه شهرت»، «زندان فولسوم» «جادهٔ شماره ۳۰۱»، «دالاس» «بازگشت بدهکدهٔ خدا» و «بازگشت به برودوی». (استیو) دراوایل سال ۱۹۳۹ با دختری موسوم به (فلورانس لاکوود) ازدواج کرد و چهار سال بعد اورا طلاق داد همسر اخیرش (فی مکنزی) نامدارد که دختری بنام «ساندرا» ازاو دارد.

(استیو کاچران) درهنرمندی و بازی دست کمی از (همفری بوگارت) ندارد ودر هالیوود باو لقب «جانی شماره یك» داده‌اند ولیکن او برخلاف فیلمهایش که همیشه نقش قاتلین و تبهکاران را ایفا میکند، شخص مهربان و بشر دوستی است. آخرین فیلمش «اسلحه» نام دارد که با (لیزابت اسکات) همبازی است و بزودی اورا در فیلم «عملیات پنهانی» درسینمای رکس خواهید دید (استیو) بحیوانات خصوصاً کلاغ بسیار علاقمند می باشد!

## آن باکستر

اهمیت بازی (آن باکستر) ستاره مشهور فیلم «ماجرای کارناوال» بواسطه سبکی است که اودرایفای نقشهای مختلفه نشانداده است اودر هفتم ماه مه سال ۱۹۲۳ در شهر «میشیگان» چشم بجهان گشود. از همان اوایل زندگی خویش از آتیه خود خبرداشت ومیدانست بالاخره هنرپیشه سینما خواهد شد! درسن هفت سالگی علاقه فراوانی برقص داشت و روی این اصل مدتی عمر خود را در کلاس مربوطه گذراند ولی چیزی نیافت. پس از آن بتحصیل پرداخت و در ضمن اینکه درس میخواند دورهٔ کلاس دراماتیك را نیز آموخت.

هنوز خیلی جوان بود وتقریباً ۲۰ سال بیشتر نداشت که برای آزمایشاتی بکمپانی «فوکس» آمد و در دو آزمایش رد شد!

(آن باکستر) بازهم مأیوس نگردید اوعقیده داشت انسان در عین ناامیدی باز هم نباید مایوس گردد و دوباره بتکمیل فنون هنرپیشگی پرداخت.

پس از اینکه کاملا آزموده گردید دوباره باستودیو «فوکس» آمد و اینبار درفیلم «بیست تیم قاطر» نقش کوچکی برعهده گرفت (آن) دراین فیلم بهیچوجه نتوانسته بود دلش را ایفا کند. خودش میگوید همینکه این فیلم را دیدم طاقت نیاورده وگریه را سردادم! (آن) ازاین شکست هم مایوس نگردید کارخود را همچنان دنبال نمود تا اینکه غفلتاً (هنری کینك) اورا برای نقش اصلی فیلم «لبه تیغ» برگزید (آن باکستر) قبل ازاینکه درفیلم مزبور شرکت نماید بدعوت کمپانی پارامونت در فیلم «نیمرخ بزرك» نقشی بعهده گرفت.

شهرت وموفقیتی که (آن) بر اثر بازی درفیلم «لبه تیغ» نصیبش گردید اورا در زمره هنرپیشگان نامی سینمای آمریکا قرارداد وهر کشوری که برای هنرقدرو منزلتی قائل است استعداد (آن) راستوده و طرفدار فیلمهای این ستارهٔ موخرمائی گردید. فیلمهای بعدی او ازهمه مهمتر فیلم وسترن «آسمان زرد» بودکه با (گریگوری پك) همبازی بود و سال گذشته (سیل، ب. دومیل) کارگردان بزرك اورا برای ایفای رل نخست فیلم «ده فرمان» انتخاب نمود و او ثابت کرد همانقدرکه در ایفای رلهای فیلمهای قهرمانی مهارت دارد در ایفای نقشهای تاریخی و درام هم ماهر وتواناست. پس ازاتمام فیلم فوق الذکر کمپانی «یونیورسال» او را بقرض گرفت تا در دو فیلم «یك هوس» و «خرابکاران» به ترتیب با (راك هودسن) و (رودی کالهون) بازی نماید. (آن باکستر) با (جان هودیاك) ازدواج نمود و طلاق گرفت واکنون دختری سه ساله بنام «کاترین» از اودارد. (آن) درتمام دورهٔ زندگی خودباشکست مواجه بوده و ازکارستارگی خود رضایت ندارد و میگوید بزودی ازکار سینما کناره گیری نموده و به خانه داری و بچه داری خواهم پرداخت! ولی همینکه فیلم جدیدش بپایان میرسد میگوید امیدوارم نقش این فیلم را با بازی درفیلم آینده‌ام مرتفع سازم! (آن باکستر) ودخترش در «بیورلی هیلز» زندگی میکنند.

فیلم «ماجرای کارناوال» اورا که باتفاق «استیو کاچران»، «جرج نادر» و «لایل بنگر» در آن بازی کرده است بزودی خواهید دید.

# انتقاد پرفیلمهای هفته

ش - ناظریان

## جنگ دنیاها

**تهیه کننده : جرج پال - کارگردان : بایرون هاسکین**
**بازیکنان : جن باری - آن رابینسون - محصول سال ۱۹۵۳ کمپانی پارامونت - رنگی**

«هربرت جرج ولز» یکی از نویسندگان ومتفکرین معروف اواخر قرن نوزدهم ونیمه اول قرن بیستم انگلستان است . ولز از اواخر قرن نوزدهم آثاری ازخود منتشر کرده بود ولی شهرت واقعی او با انتشار آثار بعدی او بوجود آمد وتا چندسال پیش که وفات یافت کتب زیادی ازداستان و نمایشنامه گرفته تا مباحث مختلف اجتماعی وهنری وفلسفی منتشر ساخت .

ولز برای بیان افکار ونظریات خودشیوه وفرم خاصی مخصوصا در داستانهایش پیش گرفت و زمان حادثه داستانهایش را در دوران و سالهای بعد قرارداد . بدین طریق اوفرصت کاملی یافت تاهم افکار ونظریات مخصوص ووسیع خود را در قرنهای بعد نیز مورد بررسی قراردهد و ازطرف دیگرمردمی را که بهرجهت نسبت بافسانه وتخیل وفانتزی اشتیاق بیشتری نشان میدهند ، شایق آثار خود سازد . ولز با احاطه‌ای که مثل هموطن هنرمند دیگرش «الدوس هاکسلی» به علوم مختلف داشت ، باوارد کردن جنبه های علمی درداستانهایش لطف وتأثیر آنرا ازجهت اخیر بیشتر کرد وخواننده درحالیکه از ابتدا به جنبه ساختگی داستان وقوف داشت ولی پرورش داستان مخصوصا درزمینه های علمی او را مثل اینکه درواقعیت وحقیقت میکشاند .

ولز درکتاب «جنگ دنیاها»ی خود با این فرم جالب محتوی جالب تر خودرا میآورد . او بیان میکند ونشان میدهد که این بشر آنطورکه تصورمیکند برهمه چیز پیروزنیست و در این دنیای وسیع امکان این هست که درمقابل خیلی چیزهای دیگر ازجمله ساکنین کرات دیگر بی اندازه حقیر وکوچك باشد . درعین حال مال بدی که مامردمان کره زمین درست کرده ایم تنها بدرد خودمان میخورد و بیخ ریشمان بند میشود.

بعضی از داستانهای ولز تا بحال بصورت نمایشهای رادیوئی درآمده است ازهمه این نمایشات جالبتر وهنری تر نمایش رادیوئی بود «ارسن ولز» بطریقه مدرنی درسال ۱۹۳۹ ازروی کتاب «جنگ دنیاها» در امریکا اجرا کرد و بین مردم سروصدای زیادی تولید کرد ومنجر بوقایع و حوادثی شد .

« اورسن ولز » نمایش خود را باین صورت اجرا کرد که یکروز قبل خبر پخش آنرا بصورت عادی بمردم داد . روز بعد ضمن آنکه برنامه موزیکی از رادیو پخش میشد یکباره برنامه قطع و سکوت برقرار شد . سپس گوینده‌ای از یکی از ایالات امریکا خبر هجوم اولین دسته افراد کره مریخ را باتجهیزات کامل داد ومشاهدات عینی خود را برای شنوندگان سراسر امریکا بیان نمود . بعد از رپورتاژ او دو مرتبه برنامه موزیك ادامه یافت ولی چند لحظه بعد اخبار تازه‌تری از این گوینده رسید ، اخبار جالب توجه تری که حکایت ازعجایب دستگاه‌ها و ماشین‌های عجیب افراد مریخی میکرد و حمله آنها و نابودی قطعی مردم کرد زمین را نشان میداد . خود گوینده در یکی از این حوادث از بین رفت . موضوع برای استودیوی رادیو کاملا جدی شده بود . گویندگان دیگر جریان را در محل‌های حادثه دنبال کردند و از هر نقطه مشاهدات خود را همراه مصاحبه با افراد مختلف و سروصداهای حقیقی این حوادث بیان کردند .

ولز با این طرز ابتکاری اجرای نمایشنامه خودکه برای شنوندگان کاملا تازگی داشت وگذاشتن «اثرهای صدائی» حقیقی از دستگاه‌ها و ماشین‌های مریخی‌ها ، هجوم و حمله آنها ، سروصدا و فریاد و صحبت و ناله و داد مردم ، فرو ریختن عمارت و غیره ، چنان به اثر خود جنبه واقعی داد که اغلب مردم ایالات متحده را از کار خود باز داشته و بخود مشغول نمود وآنها بتصور آنکه واقعه‌ای حقیقی رخ داده بدست و پا افتادند و ضمن تعقیب جریان از رادیو بجستجوی پناهگاه و راه فراری افتادند . حتی عده‌ای از دانشمندان نیز اغفال شده و به اداره رادیو درخواست همکاری وکشف وسایل و ابراز مریخی‌ها رادادند.

این حالت مردم در تمام مدتی که نمایش آجرا میشد ادامه داشت و تنها بعد از ختم آن بود که مردم با کمال تعجب متوجه غیر واقعی بودن آن شدند . بطوریکه بعدها روزنامه‌ها خبر دادند این دسته گل هنری آقای «اورسن ولز» خسارات زیاد مالی وحتی جانی در امریکا بوجود آورد و برای مدتی بی نظمی کاملی در دستگاه‌ها ومجامع مختلف ایجاد کرد !!.

### «جنگ دنیاها» بصورت فیلم

همانطورکه اورسن ولز در زمینه چینی داستان برای نمایش رادیوئی خود تغییراتی درآن داد و آنرا بصورت کاملا مدرنی درآورد بدیهی است که در اقتباس داستان برای فیلم چنین تغییراتی نیزایجاب می کند ولی این تغییرات نباید طوری باشد که حتی قسمتی از فکرو ایده‌ها و افکار دیگری را در آن راه دهد . درفیلم، مکان داستان مثل نمایش رادیوئی ولز در امریکا قرار داده شده غیر ازاین قسمتی از تغییرات نمایش ولز،در فیلم هم مورد استفاده قرارگرفته ضمناً افراد وقهرمانان داستان کم و بیش تغییر کرده‌اند و وقایع دیگری بآن اضافه شده است .

اینها درحد خود و تاجائی که لطمه باصل اثر وارد نسازد مانعی ندارد ولی نکته باعث تاسف وارد کردن کشیش در فیلم است که جنبه های مذهبی بآن داده است ولی در اثر «جرج ولز» اصلا وجود ندارد و اثری مغایر با فکر و نظر نویسنده اصلی در تماشاچی بوجود می آورد.

فیلم صرف نظر ازاین مورد،ازلحاظ تهیه و درحدخودیك فیلم جالب وعالی است تهیه کننده فیلم جرج پال می باشد که سابقه زیادی در تهیه چنین فیلمهائی دارد و دردو شماره پیش این مجله بحثی در مورد آثار او بمیان آمده است . وی برای تهیه این فیلم خودذوق و سلیقه زیادی بکار برده و ایده‌های ابتکاری و جالبی در آن گذارده است. ماکت‌ها ودکورهای این فیلم بسیار جالب توجه است. بدیهی است دستگاه‌ها و ماشینهای سریعی در این فیلم مطابق آنچه که در کتاب نویسنده وجود دارد نیست، ولی همان نتایج ووقایع را بیار می آورد در عین حال باسروصداهائی که اخیراً دراطراف بشقابهای پرنده و غیره منتشر شده بیشتر مطابقت میکند.

استفاده از تضاد رنگها همچنین اثرهای صدائی که صورت حقیقی کاملی در فیلم پیدا کرده است، در تشدید حالت و اثر فیلم تاثیر بسزائی کرده است.

فیلم توسط بایرون هاسکین کارگردانی شده است . ارزش کارگردانی همچنین مونتاژ فیلم ازهمان لطه های اول که صحنه های واقعی از دو جنگ گذشته نشان داده میشود و بعد یکباره بدنبال گفتار گوینده در باره جنگ دنیاها عناوین فیلم نشان داده میشود، بخوبی واضح میشود در تمام طول فیلم این دواصل مهم باضافه موزیك مناسب وخودداستان جالب فیلم تماشاچی را به سرصدلی میکشاند وبااینکه گفتار برای افراد ناآشنا بزبان انگلیسی نامفهوم میماند و ترجمه نارسا وغیرجالب هم نمیتواند این کنگی رارفع کند ، ولی انتریکهای زیاد فیلم اورا به هیجان و اضطراب وامیدارد و دو ساعت او را تماماً بخود مشغول میدارد. فیلم «جنگ دنیاها» را درحد خودمیتوان یك فیلم خوب و تقریباً کامل دانست.

# «دزد دوچرخه»

## کارگردان: ویتوریو دسیکا ـ سناریست: چزارزاواتینی
## محصول ۱۹۴۹ کشور ایتالیا

روشنفکران ما از مدتها پیش انتظار دیدن فیلم عالی «دزد دوچرخه» را داشتند.

«دزد دوچرخه» ازهمان موقع تهیه و نمایش آن درایتالیا، توسط روزنامه‌های هنری ما معرفی و ازآن اسمی بمیان آمد. بعدها هم چه آنهائی که از اروپا می‌آمدند وچه آنهائی که به جراید هنری خارجی دسترسی داشتند از اهمیت وشهرت بی‌سابقه این فیلم سخنها گفتند. دراین یکی‌دو سال اخیر هم که مباحث سینمائی در مطبوعات ما بازاری یافته، چندین بار در باره این فیلم و جوایزکان و اسکاری که نصیب آن شده، اهمیت وارزش سبك خاص آن وحتی تاریخچه تهیه و اینکه «ویتوردسیکا» برای ساختن آن چه کارهائی کرده و خیلی چیزهای دیگر، مطالب زیادی نوشته شد.

حالا «دزد دوچرخه» بعداز سالها که ازتهیه آن میگذرد و مدتها که بکشور ما وارد شده و بنابعللی نمایش داده نشده بود، بروی پرده آمده است وقاعدتاً دیگر بحثی درباره آن لزوم نخواهد داشت و مردم استقبال مورد نظر را از این فیلم خواهند کرد. ولی درشب اول نمایش آن بااستراق سمع، من شاهد اظهار نظر هائی از طرف تماشاچیان بودم که تااندازه‌زیادی بااین تعیین قطعی جوردرنمی‌آمد صرف نظر ازعدم تناسب این فیلم با سینمائی که اغلب فیلمهای عربی برنامه آنرا تشکیل میدهد و تماشاچیان نوع خاصی برای خودش تشکیل داده، عده‌زیادی از تیپ جوان‌وروشنفکر بعداز دیدن‌این‌فیلم آنطور که باید و شایدارضاء نشده‌بودند وهیچ‌بعید نیست سرنوشت این فیلم نظیر فیلم دیگردسیکا، «معجزه‌درمیلان» بشود وعده‌زیادی ازمردم بهمین جهات ازدیدن‌آن‌محروم شوند. بنابراین بحث جدیدی در مورد این فیلم کاملا لازم بنظر میرسد:

گذشته‌ازآتمسفر تقریباً هنری که فعلا درمحیط‌ماوجود داردو باآتمسفر همین محیط درچند سال پیش فوق‌العاده فرق‌کرده وهمین خود عامل مهمی‌در اظهار نظرهای فوق‌الذکراست، یك‌علت مهم‌دیگر تبلیغات زیاد و بعضاً غلط‌واشتباه درباره این‌فیلم درطی این‌چند سال بوده است. تماشاچی که این‌فیلم‌را می‌بیند تحت تأثیر این تبلیغات میخواهد یك‌فیلم خارق‌العاده‌را به‌بیند. مخصوصاً باجریاناتی که دور وبرخودمی‌بیند، با فقر شدیدی که اطرافش‌را احاطه کرده‌وسختیهاو ناهمواریهائی که‌روحش‌رامی‌آزارد، میخواهدفیلمی که بعدازخاتمه‌جنك ودرمحیطی شبیه‌محیط‌فعلی‌او ساخته‌شده، این‌انتظارات‌رابرآورده کند.

موضوع دیگر این نکته است که قسمتی از ایده‌های مطرح شده این فیلم راکم و بیش در فیلمهای دیگر قبلا دیده است. در صورتیکه او متوجه تاریخ تهیه این فیلم و تأثیر شدیدی راکه این فیلم‌حتی در تهیه کنندگان تجارتی نموده و ایده‌هائی را در فیلم آنها نفوذ داده، نیست. اگر فیلم مطابق قاعده در همان اوان تهیه بایران میآمد با این موانع طرف نمیشد و یك شاهکار عالی چنین موقعیت‌نامناسبی نمییافت.

## نگاهی بخود فیلم

به‌بینیم‌دوهنرمند سازنده این‌فیلم «چزارزاواتینی» سناریست و «ویتوریو دسیکا» کارگردان آن چه میخواسته‌اند در این فیلم بگویندوآیا بنحوی که میخواسته‌اند و بنحوی که لازم بوده است‌در این خواست خود موفق شده‌اند؟

مکاتب روانشناسی مدرن تأثیر شدیدی راکه محیط در فرد باقی میگذارد کاملا مورد قبول و تأیید قرار میدهند. یك هنرمند بنابر خاصیت همین هنرمندی و درك و حساسیت و تأثر زیاده از حدش بیشتر ازهرکس تحت تاثیرمحیط واقع‌میشود. «دزددوچرخه» بیش ازآنکه اثرکامل این دو هنرمند باشد اثر یك محیط‌خاص‌است. «دزددوچرخه» عبارت از هنرزاواتینی ودسیکا باضافه محیط بعداز

جنك ایتالیاست. کما اینکه هم‌اکنون‌آقای دسیکا محال است بتواند فیلمی نظیر «دزد دوچرخه» بسازد. هنر دسیکا فرقی نکرده ولی محیطی راکه فعلا او درآن بسر میبرد با محیط بعد از جنك ایتالیا فرق بسیار دارد. این محیط آنقدر با محیط قبلی متفاوت است‌که آقای دسیکا که در «دزد دوچرخه» خودکلیسا را به شدیدترین وجه بیادمسخره‌وانتقادمیگیرد درکریسمس امسال به حضورجناب‌پاپ‌میرود و با او عکس میگیرد....

محیط بعد از جنك ایتالیا، محیط فقر و بیکاری‌است، محیط دربدری و اضطراب ودلهره انسان‌است زمینه این فیلم چنین‌محیطی است. سوژه داستان فیلم نیز از این محیط‌گرفته شده است. بسیار بعید است‌که درایتالیای فعلی هم بتوان چنین‌سوژه‌ای یافت. بالااقل آنقدر چنین سوژه‌هائی وجود داشته باشدکه صورت استثنائی بخود نگرفته و عمومیت داشته باشد. تماشاچی ماکه این فیلم را می‌بیند شاید این مطلب راکم و بیش بداند ولی متوجه این موضوع دیگر نیست‌که باز محیط بعد از جنك ایتالیا نمیتواند نمونه‌ای برای‌محیط ما باشد. او به خصوصیات مردم ایتالیا متوجه نیست و وقتی‌ریا و تزویری در مردم این فیلم نمی‌بیند، وقتی‌در عمق فقرو بدبختی علاقه آنها را بزیبائی و هنر درك می‌کند، گیج میشود ودرتطبیق بامحیط خودبشك‌میافتدکه‌آیا اینها واقعیت دارد؟

از همه مهمتر سادیسم کشنده‌ای‌که بروح این تماشاچی مسلط است و او را در محیط خود حاضر میکندکه برای یك سیگار یا یك ریال سردوستش را ببرد، با روحیه نسبتاآرام و انسانی قهرمان این فیلم متفاوت است. حرکات این‌اکتور و عکس‌العمل او در مقابل ظلم و اجحاف مثل تماشاچی ما جنون‌آمیز نیست و قبل از هرچیز یك آدم ساده ومهربان وسمپاتیك را ارائه‌میدهد. بعید نیست‌که‌تماشاچی تحت تاثیرسوابق تبلیغاتی راجع‌به این فیلم واستنباطی‌که ازرئالیسم داشته باشد بخواهد تصوری‌غیر ازآنچه که درفیلم نشان داده میشود داشته باشد. تماشاچی دو محیط را با هم اشتباه می‌کندودر نتیجه رئالیسم محیط خود را بجای رئالیسم محیط ایتالیا قرار میدهد و بدیهی است‌که برخلاف این انتظار فیلم دزد دوچرخه را می‌بیند...

«زاواتینی» در این‌محیط با مشخصات ذکرشده عواملی‌راکه داعیه‌رهبری‌دارند ـ احزاب ودسته‌ها وایده‌ئولوژیها ـ رامورد بررسی قرار میدهد. مذهب وکلیسا یکی از این‌عوامل است. فیلم به‌شدید ترین صورت این‌عامل را میکوبد وظاهرسازی وریای آن وآقازاده ها و خانم‌زاده‌های اشراف طرفدارآنراو همچنین توقع‌ساده‌مردم‌را که تنها عبارت از یك‌غذای چرب ونرم از این قبه‌و بارگاه است، به جالب‌ترین‌صورت خودنشان‌میدهد. عامل دیگر خرافات‌و اوهام‌مردم است. فیلم باز این‌عامل‌را هم‌میکوبد درعین‌حال علل استقبال ازآن را نشان میدهد: قهرمان فیلم‌نسبت باین‌خرافات بی اعتناءاست ولی

(بقیه درصفحه بعد)

# دنباله دزد دوچرخه

خود درموقعیتی که ازفقرو بیچارگی بی‌حد او سرچشمه‌میگیرد بهمین خرافات روی میآورد .

عاملهای دیگر دولت و احزاب سیاسی هستند . این‌عوامل‌هم نمیتوانند قهرمان‌مظلوم‌فیلم‌را نجات دهند وهرکدام بعللی شانه از زیربار مسئولیت خارج میکنند .

ولی آنچه که مهمتر ازهمه است‌وشایدکاملا مورد بی‌اعتنائی تماشاچی فیلم قرارگیرد، تم اساسی و اصلی‌فیلم یا آنالیزروحیه دو انسان ، یك‌پدر وپسر ، روابط آنها بایکدیگر و نحوه احساسات و عواطف‌این‌دو نفراست. تماشاچی زمینه‌فیلم‌را با تم اساسی آن‌اشتباه میکند و این آنالیز جالب ومهم که‌نتیجه‌فیلم نیز درآن‌نهفته، مورد نظرش قرار نمیگیرد .

بدیهی است که این‌روابطرا در هر موقعیت ومحیطی‌میتوان نشان‌داد ولی نه‌باین طرززیرا درچنین‌محیطها وزمینه‌های داخل‌فیلم است که این‌نوع روابط صورت خاصی بخود میگیرد وتاثیر انسانی آن بیشتر میشود .

«زاواتینی»در داستان خود، ودسیکا در قالب فیلم ، ریتم جالبی در این‌فیلم، در روابط بین‌پسروپدر بوجودآورده‌اند.پسر و پدر از اول فیلم تا آخرین صحنه آن در روابطشان ریتمی وجود دارد . ریتم پسر و پدری، ریتم‌اینکه سناًوعقلاًازهم‌جدا هستند. گاهی ازهم دورتر میشوندگاهی نزدیك‌تر،هردودر یك خط سیرراه‌میروند هردو بدنبال هدف خاصی‌هستند ولی بادوطرزفکرمتفاوت،یك طرز فکری که بهرجهت متعلق به‌کودکی است و یك‌طرزفکری که‌متعلق به شخص‌مسن و باتجربه‌ایست. درآخرفیلم‌این‌ریتم بهم‌میخوردیابه‌تعبیر دیگر در اوج خودبه‌تغییر شکل نهائی خود میانجامد و به‌اتحاد این دوطرز فکر منجر میشودودست پدر وپسر برای اولین‌بار بهم جفت میگردد.یعنی دو فکر و دواحساس یکنواخت، کاملایکنواخت،بوجود آمده‌است. هر دوحالا یك‌چیزرادرك میکنند همچنین آنها یکدیگر را در کمال وضوح درك می‌کنند و از همه این ماجرا این نصیب را برده‌اند.

داستان فیلم در یك محیط‌وزمینه فقیروبیکاربوجودمی‌آید و سوژه فیلم از آن گرفته‌میشود. سیستم‌های حاکم به‌سرنوشت مردم‌یا مدعی حکومت آتیه نشان داده‌میشود. دوفردانسان‌موردظلم‌واجحاف این محیط قرار گرفته‌اند و هیچ مرجعی‌نتوانسته دست‌آنهارا بگیرد. آیا شما براه حل ارائه‌شده فیلم، درآنچه که در دستهای‌بهم‌فشرده‌این پسر و پدرنهفته‌است،توجه‌داریدوآیافکرنمی کنید این‌یك‌نتیجه ،نتیجه اصلی فیلم‌باشد ؟

## در پشت پرده

(بقیه‌ازصفحه ۳ )

فیلم تازه‌ای راشروع کرده است . بقرار اطلاع‌این‌فیلم‌ازروی‌داستان «رستم‌وسهراب» تهیه‌خواهدشد . برای ایفای‌رل سهراب ،«ایلوش»، جوانیکه درفیلم‌امیرارسلان‌نامدار رل امیر ارسلان را بعهده داشت ، در نظر گرفته شده است ولی از سایر امور آن‌اطلاع کاملی‌دردست نیست و ما سعی‌میکنیم درشماره های آینده اطلاعات بیشتری‌دراین باره برای خوانندگان‌محترم‌بدست آوریم .

## ازمضار سینماسکوپ !

**این همان شخصی است که دنبالش میگشتیم!!**

# فیلمهائی که هفته قبل در تهران نمایش داده‌شد

### سینمارکس

«ولگرد دریاها» قهرمانی محصول تمام رنگی سال ۱۹۵۳ کمپانی برادران وارنر امریکا باشتراك ارول فلین ـ بیاتریس کامپبل ـ آنتونی‌استیل. کارگردان ویلیام کیلی. اولین‌مرتبه .

### سینما ایران

«هفت‌عروس برای‌هفت‌برادر» موزیکال‌محصول تمام‌رنگی‌وسینما. سکوپ سال ۱۹۵٤ کمپانی‌مترو. گلدوین مایر امریکا ـ باشتراك جین پاول ـ هموارد کیل ـ جف ریچاردز ـ کارگردان: استانلی‌دانن اولین‌مرتبه .

### سینما کریستال

«دوستان طماع » موزیکال کمدی محصول تمام رنگی سال ۱۹۵۳ کمپانی کلمبیای‌امریکا باشتراك: میکی رونی ـ جودی. لارنس ـ دیك‌هایمس. کارگردان ریچارد کوئین.اولین مرتبه.

### سینما مایاك ـ سینما رویال

«جنون عشق » درام عشقی محصول سال ۱۹۵۳ ایتالیا ـ باشتراك : راف‌والونه ـ مارینا ـ برتی ـ کارگردان‌سیلوستربرستفیلیپو اولین مرتبه.

### سینما البرز

«ایستگاه مرك» جنائی محصول سال ۱۹۵۰ کمپانی پارامونت ـ باشتراك‌ویلیام‌هولدن نانسی‌اولسون ـ باری فیتزجرالد کارگردان‌رودولف ماته ـ اولین مرتبه .

### سینما ونوس

«خون و شرف» قهرمانی جنگی ـ محصول ۱۳۳٤ استودیو دیانا فیلم ـ باشتراك آرمان ـ سیروس ـ تهمینه ـ زندی ـ سپهرنیا. کارگردان‌سامول‌خاچیکیان اولین‌مرتبه .

### سینما مترو پل

«اسیر» درام محصول سال ۱۹۵۲ کمپانی‌آرتوررانك انگلستان باشتراك ـ درك بوگارد. کارگردان ریچارد کریچتون ـ اولین‌مرتبه.

### سینما تاج

۱ ـ «لیلی» درام موزیکال محصول تمام رنگی سال ۱۹۵۳ کمپانی مترو گلدوین‌مایر. باشتراك لسلی کارون ـ ژان‌پیرامون. مل‌فرر کارگردان: چارلزوالترز. تکراری.

۲ ـ «ایستگاه‌مرك»

### سینما گل سرخ

۱ ـ «برنس و گدا» کمدی‌انتقادی محصول کمپانی برادران وارنر ـ باشتراك ارول فلین ـ تکراری .

۲ ـ «دزدان‌هفت‌دریا»

### سینما دیانا

۱ ـ «وداع» درام محصول کمپانی وارنر امریکا ـ باشتراك جون کرافورد ـ فرانك لاوجوی ـ رابرت یانك. اولین مرتبه.

۲ ـ « فدائیان تکزاس » وسترن محصول تمام رنگی سال ۱۹۵۳ کمپانی برادران‌وارنرامریکا باشتراك راندلف اسکات ـ لکس بارکر ـ فیلیس کرك ـ کارگردان آندره دوتوت ـ اولین‌مرتبه.

۳ ـ ولگرد دریاها

### سینما همای

«جنك‌دنیاها» فانتزی‌محصول تمام رنگی سال ۱۹۵۳ کمپانی پارامونت امریکا تهیه‌کننده‌جورج پال ـ کارگردان بایرون هاسکین اولین مرتبه.

### سینماپارك ـ سینما ریتس

«دزد دوچرخه» درام‌اجتماعی محصول سال ۱۹٤۹ ایتالیا ـ تهیه کننده وکارگردان: ویتوریودسیکا اولین مرتبه.

### سینما خورشید

«سلمانی بغداد» کمدی‌فانتزی دوبله فارسی محصول مصر ـ با شرکت‌اسماعیل یاسین ـ کارم‌محمود کارگردان‌حسین‌فوزی ـ اولین‌مرتبه

برای برنامه آینده (سینمارکس) یکی از عالیترین درامهای اجتماعی و اخلاقی صنعت سینمای ایتالیا انتخاب شده است

# دختران خوشگذران

## LUXURY GIRLS

باشتراك: سوزان استیفن - ژاك سرناس - آناماریا فره رو
مارینا ولادی - روسانا پودستا - استیو بارکلی

**در این درام بی نظیر مسئله عشقبازیهای بی بند و بار جوانان بوالهوس و دختران ضعیف الاراده به بهترین وجهی مورد بحث قرار گرفته و صحنه‌های آموزنده**

آن درس عبرتی برای خانواده‌هائی میباشد که علاقمند به سعادت کودکان خود هستند

## در جستجوی

(بقیه از صفحه ۱۰)

در تشدید حالت واثر فیلم بی برده بودند و در سانس سینما های امریکائی واروپائی اغلب نوازندگان پیانو قطعاتی متناسب باحرکات وحالت فیلم گاهی تندو گاهی آهسته و گاهی دراماتیك وغیره ازساخته های آهنك سازان بزرك ضمن نمایش فیلم می نواختند. بعداز بوجود آمدن سینمای ناطق تا مدتی باز از آهنگهای آهنگسازان بزرك گذشته در فیلم استفاده شد وآهنك خاص خود فیلم ساخته نمیشد. بعداً باتکامل سینمای ناطق موزیك فیلم صورت خاص و مشخص خود را پیدا کرد و امروز کمتر ممکن است درآهنك فیلم از ساخته های استادان قدیمی استفاده شود بلکه برای هرفیلم آهنك مخصوص آن ساخته و اجرا میشود زیرا یك سنفونی ویا سونات مثلا بتهوون برای خودش بتنهائی هنری است درصورتیکه آهنك فیلم وقتی بااجزاء دیگر فیلم ترکیب شد تولید هنر جداگانه‌ای میکند.

ترکیب موزیك بادیگرهنرها از سالیان متمادی پیش در غرب وجود داشته است. ترکیب موزیك با رقص در بالت ـ ترکیب موزیك با صحنه ودکور وشعر وآوازدر اپرا ـ دونمونه عالی آنست بنابر این آهنگسازان فیلم باین زمینه های قوی مستظهر بوده وبزودی توانستند فرم فیلم را درك نموده و موزیك را باآن متناسب سازند.

وظیفه موزیك درفیلم تشدید اثر صحنه های فیلم است. گاهی مناظر را توصیف می کند، گاهی حالتها را تشریح می کند وگاهی اعمال دیگر انجام میدهد که مجال بحث آن در این مقاله نیست. باین چند نمونه توجه کنید:

بعضی اوقات تضاد جلب نظر کاملتری را میکند: نمایش یك آدم بدبخت در بین عده زیادی مردم خوشبخت و شاد اثر بیشتری دارد بعضی اوقات متناسب با این صحنه ها موزیك شاد و مفرح هم از این تضاد استفاده کرده وحالت آن آدم بدبخت را درنظر تماشاچی بیشتر می کند. استفاده ازیك آواز ملایم وفرحبخش که گاهی به تنهائی صورت میگیرد وگاهی دسته جمعی است میتواند صحنه هائی ازفیلم را تحت تأثیر دراماتیك و عاشقانه خود قراردهد. گاهی موزیك خود بتنهائی میتواند ولازم میآید که جنبه خاص کمدی یا تراژیك به فیلم بدهد. من باب مثال آهنگهای فیلم «یاغی» اثر «ویکتور یانك» کمپوزیتور معروف، خود به تنهائی حالت کمیکی به فیلم میدهد و این «وسترن» را بیك نیمه کمدی در می آورد.

آهنك سازان فیلم ها ازتمام جنبه های مورد استفاده ترکیبی موزیك بصورت بالت واپرا باضافه ابتکارات جدید خود در تدوین موزیك فیلم نهایت استفاده را کرده ومی کنند. (ناتمام)

## دنباله تاریخ سینمای امریکا

«دومیو» اثر والت دیسنی - «سرجوخه یورك» اثر هوارد هاکز وباشتراك «کاری کوپر». «عملیات در چین» آخرین اثر ژوزف فن اشتنبرك و باشتراك جین تیرنی - «من با فریاد ازخواب بلندشدم» اثر بروس هومبرستون و باشتراك بتی گریبل و ویکتور میچر که بعنوان بهترین فیلم پلیسی سال محسوب گردید. دو فیلم خوب پلیسی دیگرعبارت بودند از «جانی ایگر» باشتراك رابرت تیلور ولانا تارنر و «شاهین مالت» اقتباس از روی کتاب داشیل هامت باشتراك هومفری بوگارت ومری آستور که جان هوستن برای اولین بار در آن رل کارگردان را قبول کرده بود. «شکار آدم» اثر «فریتز لانك» آلمانی و باشتراك والتر پیجون و جسون بنت از اولین فیلمهای جاسوسی و جنگی ضدآلمانی بود. قبل ازآن جرج ساندرز در فیلم «اعترافات یك جاسوس نازی» دوره فیلمهای ضدآلمانی را افتتاح کرده بود. فیلم «چقدر دره من سبز بود» اثر جان فورد و «همشهری کین» اثرو باشتراك اورسن ولز نیز دومحصول خوب سال بودند.

سال ۱۹۴۲ را سال احضار هنرپیشگان وکارکنان فیلمهای هالیوود باید دانست. چون امریکا باژاپن وآلمان وارد جنك شده بود، عده‌ای از هنرپیشگان وکارکنان فنی استودیوها بخدمت زیر پرچم خوانده شدند و برای تهیه فیلمهای جنگی و تبلیغاتی چندتن ازکارگردانها و تهیه کنندگان معروف را نیز احضار کردند. خروج این عده از هالیوود، باعث شدکه عده‌ای ازهنرپیشگان وهنرمندان جوان وتازه کار به پایتخت سینما هجوم آورند وشانس خودرا بیازمایند سال ۱۹۴۲ برای هالیوودسال بدی بود زیرا عده‌ای ازهنرپیشگان وکارگردانها بعناوین گوناگون فوت کردند یا خودکشی نمودند که از همه مهمتر مرك تأثر انگیز «کارول لمبارد» و فوت «جان باریمور» بود. (ناتمام)

## زندگی پس از مرك

(بقیه ازصفحه ۱۲)

ازفیلم «زندگی پس ازمرك» درحدود ۲۰ دقیقه فیلمبرداری شده و اینك نیز بسرعت و دقت تمام مشغول ادامه آن هستند. هنرپیشگان این فیلم عبارتند از «ناصر ملك مطیعی»، «مهین معاون زاده»، «بهشتی» و «صارمی». ناصرملك مطیعی هنرپیشه جوان پس از بازی دراولین فیلم خود «ولگرد» محبوبیت بیسابقه‌ای کسب کرد وپس ازآن با بازی درچندفیلم دیگر برمحبوبیت خود افزوده. آخرین فیلمی که از ناصر نمایش داده‌شد فیلم «چهارراه حوادث» بود. «مهین معاون‌زاده» بهترین رلی را که تاکنون درفیلمهای فارسی ایفا کرده است، در فیلم «دختری از شیراز» داشت که با هنرمندی کامل آنرا ایفا کرد. «بهشتی» هنرپیشه با قدرت تاتر را بارها درصحنه تاتر وروی پرده سینما دیده‌ایم واورا بخوبی میشناسیم ولی «صارمی» اولین بازی مهم خود را درهمین فیلم بعهده دارد.

## رقص انتقام

(بقیه ازصفحه ۱۳)

ولی در تهران مابرای اولین بار دراین فیلم باهنر «محسن آل‌داود» آشنا می‌شویم. دراین فیلم آل‌داود علاوه بربازی باصدای جذاب خود نیز تماشاچی را وادار بتحسین می نماید.

این فیلم دارای موسیقی و آوازهای گوناگون محلی است که آهنك آنرا «مبشری» تنظیم کرده وآوازهای آنرا «پروانه»، «آل‌داود» و «مهوش» خوانده‌اند بعلاوه رقصهای زیبای انفرادی و دسته جمعی که بوسیله هنرمندان اسپانیولی انجام‌شده‌است مسلماً جلب توجه تماشاچی را خواهد کرد. ضمناً یکی از رقاصان زیبای اسپانیولی بنام «کنچیتا» تقریباً رل مهمی در این فیلم بعهده داردو چند جمله بزبان فارسی تکلم میکند که البته هنگام صدابرداری شخص دیگری بجای وی صحبت خواهد کرد. علاوه بر کنچیتا رقاصه دیگری بنام «کارمن» در این فیلم با چند رقص زیبا برلطف این فیلم افزوده است.

کارگردان فیلم «رقص انتقام» هنرپیشه معروف «صادق بهرامی» می باشد. ضمناً خودوی نیز در این فیلم رل مهمی را ایفا می نماید. فیلمبرداری «ژرژ» نیز زیبائی خاصی باین فیلم بخشیده‌است. دکورهای مجلل فیلم بوسیله «دلپذیر» و عکسهای آن توسط «افشار» تهیه گردیده است.

فیلم «رقص انتقام» در محل استودیو ایرانا فیلمبرداری شده و بقیه کارهای فنی آن در استودیوی مجهز سانترال انجام میگیرد. تدارکات وسائل صحنه و لباس فیلم بعهده «حسین محسنی» محول شده است. خلاصه داستان فیلم چنین است:

بهلول قاضی تن به تحیلات هارون الرشید نداده وبرعلیه امام بزرك رأی نمیدهد و برای فرار از غضب هارون خودرا بدیوانگی مصلحتی میزند. بهلول با همکاری عده‌ان دیگر از ایرانیان هنرمند که در اجتماع آنروزقدرومنزلتی نداشتند، خودرا برای مبارزه علیه بیدادگران آماده میکند و طی یك داستان شیرین عشقی و موزیکال موفقیت پیدا کرده و هارون را متوجه خیانت اطرافیان می نماید.

## داستان مهیج «بوسه خونین»

بزودی انتشار خواهد یافت

# صاحبهٔ من با دو تن از معروفترین هنرپیشگان هالیوود

## «باب هوپ» کمدین شهیر و «اوامری سنت» ستاره جدید و هنرمند

از خبرنگار مجله در هالیوود : سیروس ذوالقدر

سه روز قبل طبق دعوت کمپانی پارامونت» باستودیوی مزبور رفتم پس از ورود باستودیو باتفاق منشای مخصوص وارد صحنه ایکه محل تهیهٔ فیلم « آن احساس مخصوص» بودند شدیم . آن روز قرار بود با دو تن از هنرپیشگان بزرگ هالیوود که شهرت بسزائی دارند مصاحبه کنم . یکی از آنها (باب هوپ) کمدین مشهور امریکائی دستی پیشتم خورد و همینکه روی خود را بر گرداندم راهنمای استودیو بمن اطلاع داد که درحدود پنج دقیقه دیگر (باب هوپ) و (اوامری سنت) حاضر بمصاحبهٔ با من خواهند بود . پس از طی پنج دقیقه (هوپ) و (سنت) با چهره هائی خندان و بشاش بنزد من آمدند پس از اینکه خود را بآنان معرفی نمودم سعی کردم بیشتر مصاحبهٔ من با (اوامری

«باب هوپ» و خبرنگار مجله هنگام مصاحبه

است که در اکثر نقاط عالم محبوبیت دارد و حالیه از هنرپیشگان قدیمی و هنرمند سینماست ، و دیگری که در ایران ناشناس و فیلمی از وی نشان نداده‌اند و در امریکا یکی از جوانترین و با استعدادترین ستارگان شناخته شده ملاقات نمایم این ستارهٔ درخشان (اوامری سنت) نامدارد که سال گذشته با بازی هنرمندانهٔ خود موفق بگرفتن جایزهٔ درجه دوم اوسکار گردید.

درحدود چند دقیقه‌ای بود که در گوشه‌ای تمام حواسم متوجه فیلمبرداری از یك صحنه این فیلم گردیده و فریفتهٔ بازی (هوپ) و (سنت) که بامهارتی کم نظیر مشغول ایفای نقش محوله خویش بودند، شده بودم . در همین حین آهسته دیگری شرکت میکرد، تا این اندازه شهرت و موفقیت کسب میشود یا خیر؟ (اوامری) با همان مهربانی وصمیمیت قبلی خود افزود که البته با ایفای دلی درمقابل یك هنرپیشه هنرمند و مشهور بیش از آنچه بشود تصور کرد محبوبیت میتوان بدست آورد بخصوص هنگامیکه نقش مقابل یك هنرپیشه بااستعداد ومحبوبی همچون (مارلون براندو) را عهده داشته باشد. سئوال دیگرم از (اوامری) این بود که آیا قبل از هنرپیشگی سینما در کار های تئاتر و نمایشات هنرنمائی کرده است ؟ همینکه سئوالم بپایان رسید یك لبخند مظفرانه درگوشه لبان (اوامری) نقش بست و جوابداد تنها همان بازی من در یکی از نمایشات تئاتر نیویورك بود که افتخار بازی درفیلمی را که (مارلون براندو) هنرپیشه نخست آن بود پیدا نمودم وجایزه اوسکار گرفتم.

( اوامری سنت ) در دنباله صحبت خود اضافه کرد که درحدود سه سال قبل هنگام ایفای نقشی در پیس «گردش بسوی بخشش» در (برودوی) مورد توجه یکی از کارگردانان نامی و شهیر جهان، (الیا کازان) قرار گرفتم و بلافاصله قراردادی برای بازی درفیلم «در بار انداز» و ایفای دل مقابل (مارلون براندو) در کمپانی «کلمبیا» منعقد کردم و باین مقام امروزی رسیدم . بطوریکه (اوامری سنت) اظهار میداشت مدت نسبتا طولانی هم در تلویزیون کار میکرده و رولهای بیشماری ایفا نموده است.

چون وقت زیادی باقی نمانده بود با (اوامری سنت) خداحافظی کردم و بسوی (باب هوپ) رفتم تا باتفاق یکدیگر عکسی برداریم پس از اینکه عکاس مخصوص استودیو عکسی از من و (باب) برداشت (باب هوپ) آهسته بمن گفت اگر میخواهید نام مرا بدانید (باب هوپ) نامدارم ؛ در جواب این شوخی (باب) با تمسخر گفتم سعی خواهم کرد اسم شما را بخاطر داشته و باطلاع خوانندگان عزیز ستاره سینما برسانم !

یکبار دیگر پس از تشکر و سپاسگزاری از آنها محیط استودیو را ترك نمودم در حالیکه در این مصاحبه نتوانسته بودم از باب هوپ حتی یك کلمه حرف حسابی و منطقی بیرون بکشم ..

سنت) باشد چون بطوریکه حدس میزدم خوانندگان با (باب هوپ) باندازهٔ کافی آشنائی داشته و از آن گذشته‌ها (باب هوپ) بسیار شخص شوخ و کمیکی است و تا کنون هیچ مخبر سینمائی نتوانسته است یك کلمهٔ حسابی و درست از طرز ورودش بجهان سینما اطلاع حاصل نماید و (هوپ) در پاسخ کلیه سئوالات جوابهای بی سر و ته و خنده آوری تحویل میدهد ؛ روی این اصل من (هوپ) را تنها گذارده و سراغ (اوامری سنت) رفتم و مصاحبهٔ خود را آغاز کردم.

اولین سئوالم از (اوامری سنت) این بود که اگر چنانچه رل مقابل (مارلون براندو) را در فیلم «در بار انداز» ایفا نمینمود و در فیلم

خبرنگار مجله باتفاق «اوامری سنت»

# مسابقات ما را حل کنید

تنظیم کننده : ن

## این دلقك معروف را میشناسید ؟

تاکنون فیلمهای بسیاری از او در تهران دیده‌اید و در اثر خنده دل و روده‌تان بهم پیچیده است ولی هیچکدام از فیلمهای کمدیش مانند فیلم « مسخره » نبود این دلقك مشهور در این فیلم نشانداد که تنها بازی کمیك و خنده‌آور از او ساخته نیست بلکه میتواند با مهارت و توانائی عجیب خود نقشهای درام و تراژدی را بهترین وجهی ایفا نماید. این حضرت «عنکبوت خاکستری!» در چند فیلم موزیکال نیز همبازی (استرویلیامز) مهروی شناگر بوده است و یقین داریم عکسی را که مسئول صفحهٔ مسابقات ما ترسیم نموده و بمسابقه گذارده‌است بخوبی بشناسید پس بدون تامل کاغذی برداشته و نامش را با انضمام دوریال تمبر باطل نشده برای مابفرستید تا ماهم بسه نفر بقید قرعه سه جایزه یکماههٔ مجله را تقدیم نمائیم.

## یك مسابقه بی سابقه!

در اینشماره برای اینکه ذوق خوانندگان این مجله را آزمایش کنیم یك مسابقه جالب و ابتکاری طرح کرده‌ایم البته بدو نفر از کسانیکه موفق بجواب صحیح گردند یك اشتراك سه‌ماههٔ مجله تقدیم خواهیم نمود .

جریان این مسابقهٔ ابتکاری بدین ترتیب است خوانندگان عزیز تعیین نمایند در فصل پائیز گذشته (از اول مهر ماه تا آخر آذر ماه ) امسال مطابق سئوالات ذیل کدام فیلمها و هنرپیشگان وغیره بهتر و جالبتر از دیگران بوده‌اند:

۱ــ محبوب‌ترین هنرپیشه مرد و زن.

۲ــ سه فیلم که بهتر از سایر

## مشتری قانونی !

بچه حقی شما بدون نوبت بداخل سینما میروید ؟!!

## (پاسخ معلومات سینمائی شماره قبل)

۱-(کیتی جورادو ، گیلبرت‌ـ رولند ۲ـ مارك روبسون ۳ـ زیباو بدسرشت ٤ـ لی لی، دشمن شماره یك بشر ٥ ــ فوکس قرن بیستم .

## برندگان مسابقه (دشمن بشر) شماره ۴٦

۱ــ آقای ناصر مستوفی

۲ـ بانو عزیزه فیروز کوهی

۳ــ دوشیزه امیك آیوازیان

**جواب صحیح ـ (فرناندل)**

## معلومات سینمائی خود را بیازمائید !

۱ــ چند فیلم از «ویتوریو ـ دسیکا» امسال در تهران نمایش داده‌اند آنها را نام ببرید؟

۲ در فیلم « برك درخشان » کدام هنرپیشگان شرکت داشتند ؟

۳ــ کارگردان و تهیه کنندهٔ فیلم « دامن خونین » که بود ؟

٤ـ بهترین فیلم « بینك کرازبی » کدامست ؟

٥ ــ « نقاب فرعون » محصول کدام کشور بود؟

**(پاسخ در شماره بعد)**

فیلمها شناخته شده‌اند.

۳ــ هنرمندترین هنرپیشه زن و مرد.

٤ــ تعیین بهترین سینما از لحاظ نمایش فیلم و خوبی و مرتب بودن سالن .

البته بار دیگر تذکر میدهیم که فیلمهای نمایش داده‌شدهٔ فصل پائیز بایستی مورد بحث قرار گیرد و با جواب خود یکریال تمبر فراموش نکنید!

**«جواب در شمارهٔ ۵۲»**

## این دیگر کیست؟

از قیافه و سبیلهای «عهد حجر» او نترسید! همین قیافهٔ باصطلاح عجیب وغریب اکنون یکی از بزرگترین هنرپیشگان فیلمهای « وسترن » هالیوود است حتی بر اثر هنرنمائی خود تاکنون دو بار جایزه اوسکار بدست آورده‌است !

مسئول صفحهٔ مسابقات ما اضافه میکند که ایشان را در فیلمهای « سرباز فداکار » و « دالاس » دیده‌اید اکنون باوجود اینکه کاملا پیر شده است، معذالك مرتبا در فیلمها شرکت میکند اما نتوانسته است نقشی را بهتر از رل « ویل کین » در فیلم « ... » ایفا نماید. همین اندازه کافیست زیرا حتم داریم او را شناخته‌اید در هر صورت اگر آنقدر هوش سینمائی ندارید پس لطفاً تا هفتهٔ آتیه صبر کنید !

## در این مبارزه

(بقیه از صفحه ۲۳ )

بوقوع پیوست و هر کدام یکدیگر را ملاقات میکردند مانند دو دشمن خونی بجان همدیگر میافتادند و هزار جور فحش و ناسزا نثار هم مینمودند ولیکن نتیجه این مبارزه که اکنون از جنك بین دو دولت مهمتر است همچنان ادامه دارد و پیروزی هیچ کدام معلوم نیست بخصوص که در این اواخر یك رقیب سر سخت و شکست ناپذیر هم بآنها اضافه شده و این رقیب تازه کار مامور مالیات بر درآمد ایتالیاست و احتمال میرود که از ایندو رقیب مشترکا فریب چند میلیون لیر ایتالیائی مالیات اخذ شود. با تمام این تفاصیل رقابتهای «سوفیا» و «جینا» و «مامور مالیات» همچنان ادامه دارد و معلوم نیست عاقبت کدامیك در این مبارزه پیروز خواهند شد، سوفیا، جینا، یا مأمور مالیات!!...

## یك خبر از همفری بوگارت

همفری بوگارت بزودی رل یك افسر نیروی دریائی را در فیلم « رهبر خوب » بازی خواهد کرد سناریوی فیلم از روی داستانی بهمین نام اثر « سیل اسکات فورستر » نویسنده کتابهای « کاپیتان هوراشیو هورنبلوئر » و « ملکه افریقا » اقتباس شده و مخصوصا رل همفری بوگارت را طوری انتخاب کرده‌اند که با شخصیت بارز و بازی هنرمندانه او مناسب باشد . حالا که صحبت از همفری بوگارت شد، بد نیست بدانید که بازی وی در فیلم « ساعات نا ـ امیدی » مثل توپ در هالیوود صدا کرده و از هم اکنون او را کاندید جایزه اسکار کرده‌اند. سالهای مدید بود که همفری بوگارت در یك فیلم پلیسی بازی نکرده بود در صورتیکه بازی در همین نوع فیلمها او را به اوج شهرت رسانید .

# در این مبارزهٔ عظیم کدامیك فائح خواهند بود؟

## سوفیالورن ، جینالولوبریجیدا یا مأمور مالیات بردر آمد!!

پرویز نوری

درهمان‌زمان که «نئورئالیسم» ایتالیا نضج گرفته بود ستاره‌ای درخشان پای بعرصهٔ مبارزه گذارد او (مریلین مونرو) بود که‌در مدت نسبتاً کوتاهی میلیونها عاشق دلخسته یافت و فیلمهایش مورد استقبال کم‌نظیری قرار گرفتند. با نمایش یکی دو فیلم از (مریلین) طناز بکلی وضع سینمای ایتالیا دگرگون‌شد وهمان شاهکارهای «نئورئالیستی» که‌قبل‌ازاین‌جریان شهرت کم‌نظیر یافته‌وموردا‌ستقبال شدید مردم‌ایتالیا قرار گرفته‌بودند موفقیتی کسب نکردند واین عدم موفقیت نه‌تنهادر ایتالیا بلکه در کلیه ممالك جهان مشهود گردید. در این‌زمان کمتر کسی یافت میشد که در بارهٔ فیلمهای نئورئالیستی «دسیکا» و «روسلینی» صحبت کند درتمام نقاط صحبت از سینهٔ هوس انگیز واندام‌دلفریب(مریلین مونرو) بود!

چندی نگذشت که‌صنعت‌سینمای ایتالیا رو بسقوط ونیستی گرائیدو اگر ستارگان زیبا وطنازی مانند (سیلوانامنگانو) و(الئنورادوسی-دراکو) بوجود نیامده‌بودند سقوط سینمای اینکشور حتمی‌بود باورود این ستارگان‌دلفریب وضع قدری تغییر نمود وبجای‌آن‌شاهکارهای ایتالیائی که از زندگی‌مردم گرفته و برای مردم بوجودآمده بود فیلمهای دیگری ببازار آمد که سینه ورانهای عریان وهوس‌انگیز این ستارگان‌را بمردم‌نشان‌میداد!

پذیرفت فیلمهای این ستارگان کلیه مردم جهان‌رافریفتهٔ خود ساخت نام (سیلوانا منگانو)ازبمب اتمی مشهورتر گردید و این زمان آغاز دورهٔ«جاذبه‌جنسی‌ستارگان» جهان بود. چندی بعد ناگهان خبر جدیدی درمطبوعات‌دنیاانتشاریافت که (جینا لولوبریجیدا) یکی‌دیگر از ستارگان فتنه‌گرو آشوب‌طلب ایتالیاست وبزودی رقیب‌سرسختی برای (سیلوانامنگانو)خواهدبود! اتفاقاً همینطورهم‌شد با نمایش فیلمهای این‌ستارهٔ طناز آشوبگر بازار (منگانو) و (روسی‌دراگو) بکلی کساد گردید ودورهٔ شهرت‌و موفقیت روزافزون (جینا)آغازشد وی از لحاظ‌داشتن«جاذبهٔ‌جنسی» سرآمد ستارگان عالم‌گردید وهر کجا وبهرمجلسی که قدم میگذاشت غوغائی برپا می‌نمود حتی آوازهٔ شهرت او بآنسوی دریاها که (مریلین‌مونرو) بعشوه‌گری‌پرداخته بودرسید وهواخواهان‌وطرفداران بیشماری بدست آورد. همه زنان جهان ازطرزآرایش‌وتوالت و لباس پوشیدن وفرم‌کیف‌وکفش و موها از (جینا) تقلید میکردند و هفته‌ای نبودکه عکسش در روی جلد مجلهٔ مشهوری بچاپ نرسد. اما همانطوریکه جینالولوبریجیدا رقیب خطرناکی برای (سیلوانا منگانو) بود وبکلی‌این ستاره‌را فراموش ساخت، (سوفیالورن) هم (جینا)را ازتعجب بلرزه‌درآورد! سوفیالورن دیگر کیست؟ آنشب که چشمان زیباپسند مردم ایتالیابچهرهٔ زیبا و ملکوتی (سوفیا) در فیلم «دوشیزگان‌درخطر» افتادبی‌اختیاو قلبشان بطپش‌درآمدهمه‌بی‌صبرانه از یکدیگر میپرسیدند این دیگر کیست؟ آیابازهم‌یك ملکه جاذبه جنسی بوجودخواهد آمد؟ ولی‌این اشخاص هیچ تصور هم نمیکردند که‌همین ستارهٔ گمنام روزی رقیب خطرناك و عجیبی برای (جینا ـ لولوبریجیدا)خواهد بود.ازآنروز ببعد نام (سوفیالورن) هم باین لیست‌اضافه‌شدعکسهای گوناگونی از وی در مجلات وروزنامه‌های جهان منتشر گردید که هر کدام تا اندازه‌ای بشهرتش افزودند. (سیلوانا منگانو) تصمیم گرفت‌جداً از بازی در فیلمهائی که از اندام و سینهٔ برجسته و هوس انگیزش استفاده میشودخودداری ورزدزیرا اوبخوبی میدانست‌نمیتواندرمقابل این دو ملکه‌زیبائی (جینا وسوفیا) عرض‌اندام کند و بزودی درورطه نابودی خواهد افتاد وبهتردانست که خود هنرپیشگی‌را رها سازد.

(سوفیالورن)عیناهمان نقشی‌را که (سیلوانا) در فیلم«برنج تلخ» ایفا کرد در فیلم «رودخانه» بر-عهده گرفت...ولقب«خطرناکترین رقیب جینالولوبریجیدا»رااحراز نمود. ازآن‌حادثه ببعد اختلافی شدیدمابین این دو ستارهٔ دلفریب

«سوفیالورن» درصحنه‌ای ازفیلم «دختررودخانه»

# From Here To Eternity

## از اینجا تا ابدیت

باشتراك : برت لنکستر - مونتگمری کلیفت - دبوراکار - فرانك سیناترا - دونارید

اثر (( فرد زینمن )) کارگردان معروف آمریکائی

بعقیده خبره‌گان و فیلم شناسان جهان تعریف و قضاوت درباره فیلم (( از اینجا تا ابدیت )) بایستی بعهده تماشاچیان واگذار گردد

در آتیه بسیار نزدیك در سینما کریستال

From the stark, bold–yet tender–best-seller
5,000,000 readers gasped at!

**FROM HERE TO ETERNITY**

اقتباس از یك رمان بزرگ و مهیج که لااقل قلوب ..... نفر از کسانیکه تا بحال آنرا خوانده اند به طپش افتاده

starring **BURT LANCASTER · MONTGOMERY CLIFT**
**DEBORAH KERR · FRANK SINATRA · DONNA REED**

Screen Play by DANIEL TARADASH · Based upon the novel by JAMES JONES
Produced by BUDDY ADLER · Directed by FRED ZINNEMANN
A COLUMBIA PICTURE

برای اهمیت فراوان این فیلم بی نظیر همینقدر بس که
از آکادمی علوم سینما برنده ۷ جایزه اسکار گردید